

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ضمیمه

قرآن و تعلیمات دینی (۲) و (۳)

# دین و زندگی

سال‌های دوم و سوم دبیرستان

ویژه‌اهل سنت

## وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری  
نام کتاب : ضمیمه قرآن و تعلیمات دینی (۲) و (۳) دین و زندگی سال‌های دوم و

سوم دبیرستان (ویژه اهل سنت) - ۲۲۲/۱ و ۲۵۱/۱

مؤلفان : عزالدین حسینی، خالد نویدی، مولوی نذیر احمد سلامی، معد مردوخی و حیدر الماسی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن : ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱ ، دورنگار : ۹۲۶۶-۸۸۳۰ ، کدپستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ ،

وبسایت : [www.chap.sch.ir](http://www.chap.sch.ir)

مدیر امور فنی و چاپ : سیداحمد حسینی

طراح جلد : مهدی کریم‌خانی

صفحه‌آرا : مریم نصرتی

حروفچین : کبری اجابتی

مصصح : فاطمه صغری ذوالفقاری، شهلا دالایی

امور آماده‌سازی خبر : زینت بهشتی شیرازی

امور فنی رایانه‌ای : حمید ثابت کلاچاهی، ناهید خیام‌باشی

ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

تلفن : ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱ ، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰ ، صندوق پستی : ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه : راوی

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ ششم ۱۳۹۴

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۲-۲۲-۲۰-۵-۹۶۴-۹۷۸-۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۰۲۲-۲ ISBN 978-964-05-2022-2



در جمهوری اسلامی، همه برادران سنی و شیعه  
در کنار هم و با هم برادر، و در حقوق، مساوی هستند،  
هرکس خلاف این را تبلیغ کرد دشمن اسلام و ایران  
است.

امام خمینی «قدس سرّه الشریف»

## دانش آموزان عزیز

این کتاب را برای استفاده خود در سال سوم دبیرستان نگهداری کنید.

### فهرست

۱	سال اوّل : ضمیمه قرآن و تعلیمات دینی (۱) ویژه اهل سنت
۲	فعالیت تکمیل درس یازدهم
۴	فعالیت تکمیل احکام درس سیزدهم
۷	سال دوم : ضمیمه قرآن و تعلیمات دینی (۲) ویژه اهل سنت
۸	درس پانزدهم : کار و درآمد حلال
۲۰	احکام روزه درس شانزدهم
۲۳	سال سوم : ضمیمه قرآن و تعلیمات دینی (۳) ویژه اهل سنت
۲۴	درس پنجم : حکومت اسلامی، پس از رسول خدا (ص)
۳۲	درس ششم : ویژگی های حکومت اسلامی
۳۹	درس هفتم : خلفای راشدین
۴۹	درس هشتم : دنیای اسلام پس از خلفای راشدین
۵۵	درس نهم : امت واحده
۶۳	درس دهم : احکام اسلامی
۷۶	درس یازدهم : آینده تاریخ

## پیشگفتار

### سخنی با دبیران و دانش‌آموزان

دبیران و دانش‌آموزان عزیز کتابی که هم‌اکنون در دست دارید شامل مطالب ضروری مربوط به اصول و فروع دین از دیدگاه علما و فقهای اهل سنت و احکام ویژه این مذهب است. مطالب این کتاب به جای بخش‌های اختصاصی کتاب‌های دین و زندگی، برای دانش‌آموزان اهل تسنن تدریس می‌گردد. از آنجا که در کشور اسلامی ما، گروهی از دانش‌آموزان اهل تسنن در احکام و فروع دین پیرو مذهب امام ابوحنیفه و گروهی دیگر پیرو مذهب امام شافعی می‌باشند، از این رو، در کتاب درسی در موارد اختلاف، احکام بر مبنای نظرات فقهای هر دو مذهب بیان شده است.

نکته قابل توجه در اینجا این است که اختلاف نظر مجتهدین و ائمه مذاهب در مسائل فرعی و احکام، هرگز نباید موجب تفرقه و جدایی میان مسلمانان گردد. اختلاف نظر علمی و بحث‌های بدون تعصب و تنگ‌نظری برای روشن شدن حقیقت، کاری نیکو و پسندیده است. علما و روشنگران دینی باید بدون توجه به وسوسه‌های دشمنان اسلام و سخنان متعصبان جاهل، با دیدگاهی وسیع و سعه صدر به قرآن مراجعه نمایند و با توجه به آیه شریفه «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ (نساء ۵۹)، اختلاف‌ها و درگیری‌های خود را با توجه به قرآن و سنت حضرت رسول حل نمایند.

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب  
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۱۵۸۵۵/۳۶۳ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)  
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر نامه ریزی و تأیید کتاب های درسی



# سال اوّل

ضمیمہ قرآن و تعلیمات دینی (۱)

ویژہ اهل سنت

فعالیت تکمیل درس یازدهم : صفحه ۱۱۱ کتاب دین و زندگی (۱) — مربوط به فقه

شافعی



برای اقامه نماز دو دسته اعمال انجام می‌گیرد : ارکان و مستحبات.  
مستحبات نماز نیز دو دسته هستند : ابعاض و هیأت

مستحبات		ارکان (واجبات)	
هیأت : اعمالی هستند که ترک آنها .....	ابعاض : اعمالی هستند که ترک آنها .....	ارکان : اعمالی هستند که ترک آنها .....	
..... ۱-	..... ۱-	..... ۸-	..... ۱-
..... ۲-	..... ۲-	..... ۹-	..... ۲-
..... ۳-	..... ۳-	..... ۱۰-	..... ۳-
..... ۴-	..... ۴-	..... ۱۱-	..... ۴-
..... ۵-	..... ۵-	..... ۱۲-	..... ۵-
		..... ۱۳-	..... ۶-
			..... ۷-



## فعالیت تکمیل درس یازدهم : صفحه ۱۱۱ کتاب دین و زندگی (۱) – مربوط به فقه

حنفی



دانش‌آموز عزیز با استفاده از منابعی که معلم معرفی می‌کند و یا خود می‌دانید جدول زیر را تکمیل کنید.

برای اقامه نماز سه دسته اعمال انجام می‌گیرد : فرایض، واجبات، سنن			
فرایض :		واجبات :	
اعمالی هستند که ترک آنها حرام و موجب ابطال نماز می‌شوند.		عبارتند از اعمالی که ترک عمدی آنها موجب اعاده عبادت (صلوة) و ترک آن سهواً موجب سجده سهو است.	
سنن :		واجبات :	
عبارت است از اعمالی که رسول اکرم (ص) بر انجام آنها مواظبت نموده و رعایت آنها موجب تکمیل عبادت است.		عبارتند از اعمالی که ترک عمدی آنها موجب اعاده عبادت (صلوة) و ترک آن سهواً موجب سجده سهو است.	
۱	نیت	۱	قرائت سوره فاتحه
۲	قیام	۲	ختم سوره
۳	مطلق قرائت	۳	تعديل ارکان
۴	رکوع	۴	قنوت
۵	.....	۵	.....
۶	.....	۶	.....
۷	.....	۷	.....
۸	.....	۸	.....
۹	.....	۹	.....
۱۰	.....	۱۰	.....
۱۱	.....	۱۱	.....
۱۲	.....	۱۲	.....
۱۳	.....	۱۳	.....

فعالیت تکمیل احکام درس سیزدهم : صفحات ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ کتاب دین و زندگی (۱)

تکمیل احکام



الف) در سال‌های قبل آموخته‌ایم که برای انجام نماز لازم است بدن و لباس ما پاک باشد و در صورتی که به یکی از نجاسات آلوده شد، باید قبل از نماز ظاهر گردد. بنابراین لازم است که هر مسلمانی نجاسات را بشناسد و راه پاک کردن اشیای نجس را بداند. توجه کنید که :

نجاسات یعنی ناپاکی، و نجس یعنی ناپاک، در فقه اسلامی نجس یعنی چیزی که مانع صحت و درستی نماز است. به طوری که اگر نجاسات با بدن یا لباس نمازگزار یا محلی که در آن نماز به جا می‌آورد، تماس داشته باشد، آن نماز صحیح نیست.

برخی از نجاسات عبارتند از :

- ۱- تمامی مشروبات و مایعات مستی‌آور.
- ۲- سگ و خوک
- ۳- مردار، یعنی هر حیوانی که بدون ذبح شرعی مرده باشد. در نجس بودن مردار فرقی بین حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت نیست. البته مرده انسان همانند زنده‌اش پاک است و ماهی مرده نیز نجس نیست.
- ۴- ادرار و مدفوع انسان و حیوان
- ۵- هر بخش از بدن حیوان که در حال حیاتش از وی جدا شود نجس است (البته مو و چشم حیواناتی که حلال گوشت هستند، از این مورد استثناء شده‌اند و نجس نیستند) ضمناً جزء جدا شده از انسان و ماهی نجس نیست.
- ۶- شیر حیواناتی که حلال گوشت نیستند، مانند الاغ و غیره. (باید دانست که شیر انسان نجس نیست.)

تذکر : برای دانستن بقیه احکام نجاسات و تقسیمات آن و همچنین کیفیت تطهیر چیزهای نجس به کتب فقهی مراجعه کنید.

ب) علاوه بر پاک بودن بدن و لباس، باید برای به‌جا آوردن نماز، وضو بگیریم و در صورت نیاز به غسل، غسل کنیم.

آنچه که واجب است برای وضو گرفتن انجام دهیم، عبارت است از:

۱- نیت: (پیش از شستن صورت قصد می‌کنیم وضو بگیریم) چون وضو عبادت است و عبادت با نیت از عادت و عمل عادی جدا می‌شود. البته نیت در فقه حنفی برای صحت وضو لازم نیست. برای صحت تیمم لازم است. البته در وضو اگر نیت نکنیم فرض وضو انجام می‌گیرد و وضو مفتاح و کلید نماز قرار می‌گیرد ولی ثواب ندارد.

۲- شستن تمامی صورت: از جایی که موی سر عادتاً می‌روید تا آخر چانه (طولاً) و فاصله بین نرمی گوش تا گوش (عرضاً)

۳-.....

۴-.....

۵-.....

۶-.....

تذکر: برای وضو، سنت‌هایی نیز وجود دارد که هر چند عمل به آنها واجب نیست اما انجام آنها موجب تقرب بیشتر و کسب ثواب افزون‌تر می‌شود، چند مورد از آنها را در اینجا ذکر می‌کنیم.<sup>۱</sup>

۱- گفتن بسم‌الله الرحمن الرحیم در اول آن.

۲- مسواک زدن.

۳- شستن هر دو دست تا مچ.

۴-.....

۵-.....

غسل هم یکی از شروط نماز است و شایسته نیست که مسلمان به صورت عمدی برای مدتی بیشتر از فاصله بین دو نماز، بدون غسل بماند. در غسل کردن دو چیز واجب است:

---

۱- امام نووی در کتاب منهاج الطالبین سنت‌های وضو را ۱۸ مورد ذکر کرده است. مراجعه کنید به کتاب راه دین جلد اول صفحات

۱- نیت

۲- رساندن آب به تمام بدن. (منظور بن و ته موها و تمام پوست بدن است.)

استفاده از دوش یا ریختن آب بر بدن با ظرف و یا فرورفتن در آب (به طوری که آب تمامی بدن را  
تر کند) به امکانات و انتخاب فرد بستگی دارد و اصل رساندن آب به تمامی بدن است.

غسل هم سنت‌هایی دارد از جمله : ۱- گرفتن وضو قبل از غسل. ۲- گفتن بسم الله الرحمن

الرحیم. ۳- ..... ۴- .....



# سال دوم

ضمیمہ قرآن و تعلیمات دینی (۲)

ویژہ اہل سنت

### کار و درآمد حلال

انسان‌هایی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، با کار و تلاش و به کمک یکدیگر نیازهای مادی و معنوی خود را رفع می‌نمایند. برای اینکه هر کدام از ما بتوانیم در این همکاری عمومی مسئولیت خود را به درستی انجام دهیم، لازم است دربارهٔ سؤال‌های زیر فکر کنیم و پاسخ آنها را به دست آوریم و سپس برای آنها برنامه‌ریزی نماییم:

- ۱- آیا انسان می‌تواند از هر راهی کسب درآمد کند؟
- ۲- درآمدهای به دست آمده چگونه باید مورد استفاده قرار گیرد؟
- ۳- افراد جامعه نسبت به هزینه‌های عمومی و بهبود زندگی مستمندان چه وظیفه‌ای دارند؟

آیات شریفه زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

..... إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ  
..... لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ  
..... وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا  
..... وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ  
..... وَفِي الرِّقَابِ  
..... وَالْغَارِمِينَ  
..... وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ  
..... وَابْنِ السَّبِيلِ  
..... فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ  
..... وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

توبه، ۶۰

..... وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ  
..... فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ  
..... وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ  
..... وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

## وَإِنِ السَّبِيلِ

.....

انفال، ۴۱

هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ  
وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ...  
او شما را از زمین آفرید  
و شما را به آبادانی آن واداشت

هود، ۶۱

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
اتَّقُوا اللَّهَ  
وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا  
إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ  
فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا  
فَأَذْنَابُ بَحْرٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَإِنْ تُبْتُمْ  
فَلَكُمْ رُئُوسُ أَمْوَالِكُمْ  
لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ  
ای کسانی که ایمان آورده‌اید  
پروای خدا داشته باشید  
و آنچه را از ربا باقی می‌ماند، رها کنید؛  
اگر مؤمن هستید  
پس اگر چنین نکنید  
با خدا و رسولش اعلان جنگ دهید.  
و اگر توبه کنید  
سرمایه‌هایتان از آن خودتان  
تا نه ظلم کنید و نه مورد ظلم واقع شوید.

بقره ۲۷۸ و ۲۷۹

ترجمه

به کمک عبارات زیر، ترجمه آیات را تکمیل کنید.

صَدَقَاتٍ : جمع صَدَقَة، در این آیه به معنی زکات  
قَرِيضَةٌ : واجب  
حُمْسٌ : یک پنجم  
الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا : گردآورندگان آنها  
ذِي الْقُرْبَىٰ : فقیران خویشاوند پیامبر  
لَا تُظْلَمُونَ : نه ستم بینید، به شما ظلم نمی‌شود  
مَوْلَافَةً قُلُوبُهُمْ : متمایل شدن دل‌های (غیرمسلمانان)



## کار، منشأ اصلی تولید ثروت

در بینش و تفکر اسلامی، کار خلاق و مولد، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.<sup>۱</sup> منطق فطرت هم برای پدید آورنده یک شیء حق تصرف در آن را می‌پذیرد و او را مالک می‌شناسد. به همین جهت، مالک اصلی و حقیقی همه موجودات خداست. رسول خدا (ص) می‌فرماید:

هر کس به آباد کردن زمینی که بی‌استفاده است بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن زمین از آن او خواهد بود.<sup>۲</sup>

بنابراین، کار، یا باید مولد و خلاق باشد و یا نتیجه مفیدی داشته باشد تا بتوان نام «کار» بر آن گذاشت. البته کار مولد و خلاق اختصاص به کار در کارخانه یا کشاورزی و پزشکی ندارد. تولید علم و پیشرفت در رشته‌های علمی از مهم‌ترین کارهاست. تجارت کالاها مفید و حلال و خدمات نیز از کارهای سودمند محسوب می‌شوند و لازم است که گروهی از مردم چنین شغل‌هایی داشته باشند. یکی از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای کاذب و دوری از کار مفید و مولد است، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را منع کرده‌اند.



در آیات ابتدای درس بیندیشید و پاسخ سؤال‌های زیر را به دست آورید.

سوره/ آیه	پیام	ردیف
.....	خداوند از انسان‌های روی زمین چه خواسته است؟ .....	۱
.....	کسب درآمد از کدام راه حرام است؟ .....	۲
.....	کسب درآمد از این راه مساوی با چه کاری است؟ .....	۳
.....	اگر کسی بخواهد توبه کند و از این راه برگردد، باید چه کار کند؟ .....	۴

۱- اقتصاد اسلامی، شهید دکتر بهشتی، صص ۱۹ و ۲۰

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۲۶

## ربا، کاذب‌ترین کارها

چرا قرآن کریم با چنین شدت و سختی با کسب درآمد از طریق ربا مبارزه کرده است؟ علت آن را بررسی می‌کنیم:

پول وسیله‌ای برای مبادله کالا است. اگر این پول، خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد، بدون اینکه فایده‌ای در کار باشد، ربا پیش می‌آید. برخی اشخاص مقداری پول را نزد خود انباشته می‌کنند و آن را به کسانی که نیاز دارند، قرض می‌دهند و بدون اینکه کاری انجام دهند یا در کار آنها شریک شوند و خطر احتمالی را بپذیرند، با وام‌گیرنده شرط می‌کنند که پول بیشتری بازگرداند. این عمل سبب می‌شود کسانی بدون فعالیت و کار به ثروت‌های زیادی برسند و پول که باید در جامعه گردش داشته باشد، در دست عده‌ای خاص متمرکز شود. گروهی هم که ناچار می‌شوند از چنین کسانی پول بگیرند، روز به روز فقیرتر می‌گردند؛ زیرا اینان ناچارند علاوه بر پولی که قرض گرفته‌اند، درصد زیادی نیز که قرض‌دهنده درخواست کرده، بپردازند. ادامه این کار سبب می‌شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و رباخواران حریص‌تر و ثروتمندتر شوند و طبقه‌ای استثمارگر در جامعه پدید آید. امروزه، سرمایه‌داران بزرگ جهان وام‌هایی با بهره‌های سنگین به کشورهای فقیر و نیازمند می‌دهند و چون آن کشورها توان پرداخت پیدا نمی‌کنند، ناچار می‌شوند معادن و ثروت‌های طبیعی خود را در اختیار آن سرمایه‌داران قرار دهند. به همین سبب جهان به دو قطب غنی و فقیر، ثروتمند و گرسنه، مسلط و زیر سلطه تقسیم شده است.

در عصر رسول خدا (ص) مردم عربستان به «ربا» آلوده بودند؛ تا اینکه از جانب خداوند دستور آمد این عمل را ترک کنند و به جنگ با خدا و رسول او (ص) نپردازند.

## مشارکت کار و سرمایه

اکنون این سؤال پیش می‌آید که اگر کسی پول و ثروتی داشت، چگونه از ثروت خود درآمدی کسب کند؟

در پاسخ می‌گوییم: در هر فعالیت اقتصادی، دو عامل دخالت دارد: سرمایه و کار. با سرمایه و کار نوعی مشارکت اقتصادی به وجود می‌آید و سود یا زیان آن، بنا بر توافق قبلی، میان صاحب سرمایه و انجام‌دهنده کار تقسیم می‌شود.

برنامه اسلام در مورد ثروت و سرمایه، به کار گرفتن آن در تولید و سازندگی و توسعه و رفع فاصله طبقاتی و فقر است. آنان که ثروت اندوخته دارند، شایسته است آن را در بستر تولید و حیات اقتصادی به کار گیرند یا با کسانی که نیازمند سرمایه‌اند، شریک شوند، یا به صورت قرض‌الحسنه به نیازمندان

بدهند تا بتوانند به کار و تولید بپردازند.

سرمایه باید مانند خون در رگ‌های اقتصادی جامعه جریان داشته باشد و با گردش خود حیات جامعه را تأمین کند و عدالت اقتصادی را ممکن سازد.

وقتی سرمایه افراد با کار مهندسان، کشاورزان، کارگران، محققان، معلمان و استادان همراه شود، چرخ تولید به راه می افتد و ثروتی که از این راه به دست می آید باید براساس توافق قبلی و به عدالت میان صاحبان سرمایه و کار تقسیم شود. یکی از راه‌های برقراری عدالت، توزیع عادلانه سود حاصل از فعالیت اقتصادی میان دارندگان کار و سرمایه است. سودی که از این راه به صاحب سرمایه می رسد، نه تنها حلال و پاک است بلکه اگر با نیت الهی باشد، اجر و ثواب اخروی هم خواهد داشت.

## بانکداری

در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت کار و سرمایه است. صاحبان پول و سرمایه، ثروت خود را بدان‌جا می سپارند تا در یک فعالیت اقتصادی مانند راه اندازی کارخانه، بناکردن ساختمان، آباد کردن زمین کشاورزی و تأسیس مراکز علمی و پژوهشی به کار گرفته شود و سود حاصل میان بانک، صاحب سرمایه و صاحب فعالیت تقسیم می شود. همچنین بانک به عنوان صاحب سرمایه با افراد جامعه وارد مشارکت می شود و سرمایه خود را طی قراردادی در اختیار افراد متقاضی می گذارد و با آنان در کار مشخصی مشارکت می کند. سرمایه بانک و کار افراد دست به دست هم می دهد و فعالیت اقتصادی شکل می گیرد. بانک سهم خود را به صورت ماهانه دریافت می کند تا وام گیرنده توان پرداخت آن را داشته باشد.

بنابراین، بانکداری در نظام اسلامی راهی برای مشارکت کار و سرمایه است. آنچه اهمیت دارد این است که بانک‌ها سود حاصل از مشارکت خود را عادلانه تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند. روشن است اگر بانک‌ها بخش بیشتری از سود به دست آمده را بردارند، روش عادلانه‌ای را پیش نگرفته‌اند.

قانون بانکداری که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و مبنای عمل بانک‌هاست، براساس مشارکت سرمایه و کار استوار است و از این جهت با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.

## تأمین نیازهای عمومی

مسئله قابل طرح در اینجا این است که: جامعه اسلامی هزینه‌های گوناگونی دارد که باید تأمین شود. این هزینه‌ها دو نوعند: هزینه‌های ناشی از خلأها و شکاف‌های موجود در جامعه و دیگری هزینه‌های برآمده

از زندگی اجتماعی و شهری. آیا اسلام برای این قبیل هزینه‌ها راه‌هایی را پیش‌بینی کرده است؟  
پاسخ این است که نیازهای جامعه از دو راه تأمین می‌شود:

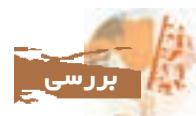
### الف) انفاق

هزینه‌های ناشی از خلأها و شکاف‌های موجود در جامعه و کارهای عام‌المنفعه مانند هزینه‌های مربوط به تأمین زندگی نیازمندان، مساکین، انسان‌های از کار افتاده، خانواده‌های بی‌سرپرست، تحصیل‌طلبان، دانش‌آموزان و دانشجویانی که از تمکّن کافی برخوردار نیستند، افراد مقروضی که توان پرداخت قرض خود را ندارند و نیز ساختن مساجد و کتابخانه‌ها، ایجاد مؤسسات فرهنگی و تربیتی و تولید فیلم‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی به منظور تربیت انسان‌های دیندار از راه انفاق است. افرادی که از نعمت سلامتی و تمکّن مالی برخوردارند، بخشی از اموال و سرمایه خود را به شکرانه سلامتی و رفاه شخصی در راه خدا صرف امور خیریه و عام‌المنفعه می‌کنند.



با تفکر در آیات ابتدای درس، پیام‌های زیر را تکمیل کنید تا به پاسخ سؤال بالا برسید.

ردیف	پیام	سوره/ آیه
۱	یکی از راه‌های تأمین هزینه‌های عام‌المنفعه، ..... می‌باشند.	.....
۲	درآمد به دست آمده از این راه برای .....، .....، ..... و ..... مصرف شود.	.....
۳	راه دیگر تأمین هزینه‌های جامعه، ..... می‌باشد.	.....
۴	..... است که پس از مصرف هزینه‌های معمول زندگی، اضافه آمده و باقی مانده است.	.....



همکاری و مشارکت در امور خیریه و تأمین هزینه‌های آن را بررسی کنید و  
به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- این مشارکت چه تأثیری بر انسان کمک‌کننده دارد؟

## ۲- این مشارکت چه تأثیری بر فرهنگ عمومی جامعه می‌گذارد؟

.....  
.....  
.....

انفاق بر دو نوع است : واجب و مستحب.

انفاق واجب نیز به دو صورت «زکات» و «خمس» انجام می‌گیرد.

۱- **زکات** : زکات در لغت به معنای پاکیزگی و رشد و نمو است و در اصطلاح شرعی به معنای

دادن مقدار معینی از مال خود به کسانی است که خداوند معین کرده است.

هشت گروه مستحق دریافت زکات هستند :

۱- **فقر** : کسانی که درآمدشان کفاف نیازمندی‌هایشان را نمی‌دهد و از این رو سزاوار کمک

می‌باشند.

۲- **مساکین** : کسانی که نتوانند معاش خود را تأمین کنند و یا امکان آن را نداشته باشند، پس

کودکان، افراد زمین‌گیر، پیران ناتوان، بیکاران و معلولین جزو مساکین هستند.

۳- **عاملین زکات** : کسانی که زکات را جمع‌آوری می‌کنند و به حساب و کتاب امور زکات

رسیدگی می‌کنند.

۴- تازه مسلمانان (مطابق فقه حنفی تازه مسلمانان در صورتی مستحق زکات هستند که نیازمند

باشند ولی در فقه شافعی محتاج و نیازمند بودن شرط نیست).

۵- برده‌ای که می‌خواهد آزاد شود.

۶- بدهکاران و ورشکستگان که قادر به پرداخت بدهی خود نیستند.

۷- **ابن السبیل (در راه مانده)** : مسافری که مخارج برگشتن به وطن و شهر خود را ندارد.

۸- **فی سبیل الله (در راه خدا)** : که از نظر فقه شافعی شامل هزینه کردن جهت برگزاری جهاد

و حج است. ولی در فقه حنفی علاوه بر دو مورد مذکور، پرداخت مخارج طلاب علوم دینی نیز جزو

موارد فی سبیل الله است.

مواردی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد عبارتند از :

۱- طلا و نقره و نقدینگی (مانند اسکناس و...) و به میزان ۲/۵ درصد در سال (البته بعدها اجماع

مقرر کرد که از کالاهای تجاری هم به میزان ۲/۵ درصد در سال زکات گرفته شود که این مسئله در مورد دریافت زکات از کارخانه‌هایی که کالاهای مختلف تولید می‌کنند نیز صدق می‌کند.)

۲- محصولات زراعی دیم به میزان ۱۰ درصد در سال

۳- محصولات زراعی آبی به میزان ۵ درصد در سال

۴- دام‌هایی که برای پرورش یا زراعت نگهداری می‌شوند مانند گاو، بز، گوسفند، شتر که میزان زکات آنها با هم تفاوت دارد.

۵- معادنی که ملک شخصی هستند به میزان ۲۰ درصد در سال

۶- سبزیجات (این مورد مختص به مذهب حنفی و مطابق رأی امام ابوحنیفه می‌باشد).

لازم به یادآوری است که :

۱- زکات فقط مالیات نیست، بلکه همچون نماز، یک عبادت است و لازم است که با نیت و

قصد تقرب انجام شود.

۲- زکات تنها به سود جامعه وضع نشده است، بلکه برای تکامل اخلاقی و تزکیه روحی شخص

زکات‌دهنده نیز لازم است.

۲- خمس : یکی دیگر از راه‌های تأمین هزینه‌های عمومی جامعه اسلامی، خمس است که به

یک پنجم غنائم به‌دست آمده از جنگ تعلق می‌گیرد. (البته در فقه حنفی علاوه بر غنائم، گنج<sup>۱</sup> و اموال

عتیقه دفن شده (خمس رکاز) و همچنین معادن<sup>۲</sup> نیز مشمول این حکم می‌شوند.)

خمس غنائم برای مقاصد ذکر شده در آیه ۴۱ سوره انفال به مصرف می‌رسد (البته بنا بر نظر اکثر

اهل سنت، با وفات حضرت رسول (ص)، سهم ایشان حذف گردید.)

### ب) مالیات

تشکیل جوامع کوچک و بزرگ، مانند روستاها، شهرها و کشورها هزینه‌هایی به دنبال دارد که

باید توسط افراد همان جامعه تأمین شود. امروزه یک شهر مانند خانه‌ای بزرگ است و همان‌گونه که

یک خانواده، هزینه‌های رفاهی خود در خانه را می‌پردازد، باید هزینه‌های رفاهی خود در شهر را نیز

---

۱- البته هنگامی که گنج، خمس تعلق می‌گیرد که آن گنج متعلق به دوران اسلامی نباشد، در غیر این صورت، یعنی اگر گنج به‌دست آمده،

به مسلمانان پیشین تعلق داشته باشد، جزو اموال لقطه (گم‌شده) محسوب می‌شود.

۲- در مورد مواد استخراج شده از معدن نیز، توجه به دو نکته لازم است : اول اینکه، این مواد باید قابلیت ذوب شدن داشته باشند؛

دوم اینکه، این مواد به‌صورت مایع باشند، بنابراین، به مواد غیرقابل مذاب (مانند برخی سنگ‌های تزئینی) و مایعات (مانند نفت و ...) خمس

تعلق نمی‌گیرد.

پرداخت کند. پس تأمین هزینه‌های شهری برعهده همه شهروندان است. علاوه بر هزینه‌های یک شهر، هزینه‌هایی وجود دارد که مربوط به زندگی در یک کشور است. ساخت راه‌های میان شهرها و روستاها، محافظت از جنگل‌ها و محیط‌های طبیعی، ایجاد امنیت و مانند اینها هزینه‌هایی دارد که افراد کشور باید در تأمین آن مشارکت کنند. پرداخت مالیات برای تأمین این گونه هزینه‌هاست. مالیات پولی نیست که برای دیگران پرداخت می‌کنیم، بلکه بابت هزینه زندگی خود و خانواده خودمان در جامعه است؛ از این رو پرداخت کننده‌های مالیات نباید متنی بر کسی داشته باشند.



زکات و خمس با مالیات چه تفاوتی دارند؟ آیا می‌توان گفت که چون خمس و زکات می‌دهیم، نیازی به پرداخت مالیات نیست؟

.....  
 .....  
 .....

نظام اسلامی وظیفه دارد خمس، زکات و مالیات را با روش مناسب و با حفظ حرمت شخص پرداخت‌کننده، از او دریافت کند و هرکدام را در جای خاص خود هزینه نماید و در آبادانی و سازندگی کشور بکوشد. امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر که از جانب ایشان حاکم مصر شده بود، چنین می‌نویسد:

برنامه مالیات را به گونه‌ای رسیدگی کن که به صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات‌دهندگان است، و کار دیگران سامان نیابد مگر آنکه کار مالیات‌دهندگان سامان پذیرد، چرا که همه مردم جیره‌خوار مالیات و مالیات‌دهندگان هستند. اما باید بیش از آنچه به جمع مالیات بیندیشی، در فکر آبادی زمین باشی، زیرا مالیات جز از طریق آباد کردن زمین به دست نیاید، و هرکس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، شهرها را ویران و بندگان را هلاک سازد، و حکومتش

## بیشتر بدانیم

- ۱- فروختن مال غصبی باطل است و فروشنده باید پولی را که از خریدار گرفته به او برگرداند.
  - ۲- غش در معامله حرام است و فروشنده باید کالای خود را با همان مشخصاتی که برای خریدار بیان می‌کند، به او بفروشد.
  - ۳- کسب درآمد از راه قمار، ربا، رشوه، قاچاق، احتکار، همکاری با مراکز فساد، کلاه‌برداری، تولید و خرید و فروش مواد مخدر و مانند آن حرام است.
  - ۴- هر نوع بازی که به شرط برد و باخت و گرفتن مال از طرف بازنده باشد حرام است. مثلاً اگر در بازی فوتبال، برد و باخت در میان باشد حرام است و پول یا کالایی که از این طریق به دست می‌آید قابل استفاده نیست. البته در شرع مواردی از قبیل تیراندازی استثنا شده که برد و باخت در آنها اشکال ندارد.
  - ۵- اشتغال به غنا و موسیقی مطرب و شنیدن آن و معامله با آن و یاد دادن و یاد گرفتن آن حرام است و درآمد آن قابل استفاده نیست. غنا و موسیقی مطرب آن نوع آواز و موسیقی است که مناسب با مجالس عیش و عشرت و فساد است. گوش دادن به آوازی که غنا نباشد و نیز موسیقی غیر مطرب اشکال ندارد.
  - ۶- اگر انسان چیزی را غصب کند باید به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را بدهد.
  - ۷- استفاده شخصی از اموال دولتی، برخلاف مقررات است و استفاده کننده ضامن برگرداندن آن می‌باشد و الا مرتکب گناه شده است.
- توجه: کسب درآمد از راه حرام و ارتزاق خود و خانواده از آن، آثار بسیار خطرناک در دنیا و آخرت دارد. انجام عباداتی مانند نماز با لباس و در مکانی که از راه حرام تهیه شده باطل است و مورد قبول نیست. تربیت و رشد اخلاقی فرزندی که از درآمد حرام تغذیه می‌کنند بسیار مشکل‌تر و سخت‌تر است؛ به خصوص که اگر این درآمد حرام از دسترنج فقرا، یتیمان و مردم محروم جامعه به دست آمده باشد.

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ همچنین برای کسب آگاهی بیشتر در مورد خراج و نحوه گرفتن آن به نامه‌های ۵۱ و ۶۰ نیز مراجعه کنید.



پیامبر اکرم (ص) فرمود :

«کسی که باک نداشته باشد که مال خود را از کجا به دست آورد، خدا هم باک ندارد که او را از کجا وارد دوزخ کند.»<sup>۱</sup>

و فرمود :

«هر کس مالی را از راه حرام به دست آورد، اگر آن را صدقه دهد، از او قبول نمی‌شود و اگر بعد از خود باقی گذارد، توشه راه جهنم او می‌شود.»<sup>۲</sup>

## گام هشتم

.....

- ۱- زندگی خود را به گونه‌ای سامان خواهیم داد که انسانی مفید و مؤثر برای جامعه باشیم و با کار و تلاش مداوم مسئولیت خود را نسبت به جامعه انجام دهیم.
- ۲- سعی می‌کنم بخشی از درآمد خود را در راه خدا و برای کمک به دیگران انفاق نمایم و اگر انفاق واجب برعهده‌ام بود، به موقع پرداخت کنم.
- ۳- با پرداخت مالیات سهم خود را در هزینه‌های عمومی می‌پردازم و از این راه به رفاه عمومی و رفاه خانواده خود کمک می‌کنم.

### اندیشه و تحقیق

- ۱- با اینکه با پرداخت انفاق بخشی از مال انسان کم می‌شود، چرا خداوند همین کار را موجب افزایش ثروت می‌شمارد؟

۱- احیاء العلوم، غزالی، ج ۲، ص ۸۱

۲- کافی، کتاب تجارت، باب ۱، حدیث ۱

۲- آیات ۱۸ سوره حدید، ۱۲ سوره مائده و ۱۷ سوره تغابن را مطالعه کنید و

توضیح دهید :

(الف) چرا قرض بدون ربا را قرض الحسنه می‌نامند؟

(ب) چه نتایجی برای قرض الحسنه بیان شده است؟

۳- چه انگیزه‌ای سبب می‌شود برخی بتوانند به راحتی زکات، خمس و مالیات

خود را پردازند ولی برای برخی دیگر سخت باشد و از این وظیفه دینی سرباز بزنند؟

۴- نمونه‌هایی از کارهای کاذب را نام ببرید و تأثیر آن را بر اقتصاد جامعه توضیح

دهید.

## احکام روزه درس شانزدهم : صفحه ۱۸۳ کتاب دین و زندگی ۲

### احکام روزه

۱- تعریف روزه : روزه یکی از عبادت‌های مهم اسلامی است که مسلمانان به نیت تقرب به

خدا و اطاعت امر او از طلوع فجر تا غروب خورشید از کارهایی که روزه را باطل می‌کند (مفطرات)

خودداری (امساک) می‌کنند.

برای گرفتن روزه رمضان باید قبل از فجر (قبل از وقتی که هنگام ورود وقت نماز صبح است)

نیت کرد. در مذهب حنفی صحیح است که برای روزه ماه رمضان بعد از طلوع فجر نیز نیت کرد، (البته

تا نصف روز شرعی و روز شرعی یعنی از ابتدای برآمدن خورشید از صبح تا ابتدای غروب آن تا مغرب)؛

در مذهب شافعی نیت روزه رمضان باید قبل از وقت اذان شرعی صبح صورت گیرد. ولی در روزه سنت

می‌توان بعد از طلوع خورشید هم نیت کرد. (البته به شرطی که هیچ‌کدام از مفطرات روزه انجام نشده

باشد.) و برای هر روز از روزهای رمضان نیز نیت باید تکرار شود.

۲- باطل‌کننده‌های روزه : ده چیز روزه را باطل می‌کند که از آن جمله است : خوردن و

آشامیدن عمدی، مرتد شدن،<sup>۱</sup> قی کردن عمدی و بیهوش شدن در تمام روز.

---

۱- یعنی قطع پیوند با دین اسلام با اعتقاد، سخن یا عملی که نشان‌دهنده بریدگی از ایمان به اسلام است. اعتقاد مثل عدم باور به قیامت،

سخن مثل انکار اسلام و عمل مانند تخریب مسجد البته نه به قصد تعمیر بلکه به قصد مقابله با اسلام.



با مراجعه به کتب فقهی، عبارات زیر را تکمیل کنید :

۱	اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش .....
۲	انسان نمی‌تواند به‌خاطر ضعف، روزه خود را بخورد ولی اگر ضعف به قدری است که معمولاً نمی‌شود تحمل کرد، .....
۳	هرکسی بیمار شود حق ..... ولی بعداً باید .....
۴	روزه‌دار ..... دود سیگار و تنباکو و قلیان و مانند آنها را به حلق خود برساند.
۵	اگر چیزی در لای دندان بماند و آب دهان روزه‌دار موجب بلع آن شود و روزه‌دار قصد بلع نداشته باشد روزه ..... اما اگر عمداً بلع صورت گیرد .....

### ۳- برخی دیگر از احکام روزه

- ترک کردن روزه، برای بیمار مباح است. البته پس از بهبود یافتن باید آن را قضا کند.
- هرکسی عمداً روزه را ترک کند گناهکار است و باید به درگاه فرمانروای عالم توبه کند و برای ترک امر فریادرس جهان از او درخواست بخشش کند و تا پیش از رسیدن رمضان آینده، روزه‌اش را قضا کند و هم برای این تأخیر، برای هر روز یک فدیة بدهد (فدیة یک روز، یک مد غذا است و هر مد در حدود ۶۰۰ گرم است)<sup>۱</sup>
- سنت است روزه‌دار، روزهای رمضان را با تلاوت قرآن و خوش‌اخلاقی نسبت به عموم و احسان و نیکوکاری در حق نیازمندان و استغفار به درگاه خدای غفار و ترک بدگویی و لہو و لعب، سپری کند و شب‌ها را با نماز تراویح پر خیرتر نماید و در دهه آخر رمضان قیام لیل و تهجد را (خصوصاً در شب‌های فرد) دریابد.
- روزه گرفتن در روزهای دوشنبه و پنجشنبه، روز عرفه (برای کسی که مشغول انجام حج نیست) و دو روز تاسوعا و عاشورای محرم، و ایام البیض (روزهای سیزده، چهارده و پانزدهم هر ماه قمری) و شش روز از شوال (که بهتر است بعد از عید فطر و متوالی باشد) سنت است.
- روزه گرفتن در دو روز عید رمضان و قربان و ایام التشریق (سه روز بعد از عید قربان) حرام

۱- الفقه المنهجي صفحه ۹۲.

است.

۴- احکام مربوط به شخص مسافر: کسی که به سفر می‌رود، اگر شرط‌های زیر را داشته باشد، مستحب است روزه نگیرد و نمازهایش را شکسته (قصر) کند:

۱- سفرش مباح باشد و برای معصیت به سفر نرفته باشد. البته در فقه حنفی تفاوتی میان سفر معصیت و سفر اطاعت درباره جواز قصر و فطر وجود ندارد. جواز قصر نماز و جواز فطر روزه به طور یکسان شامل حال هر دو تا می‌شود.

۲- مسیر سفرش طولانی باشد این مسافت<sup>۱</sup> در فقه شافعی حداقل ۸۳ کیلومتر و در فقه حنفی حداقل ۷۸ کیلومتر است.

باید توجه کرد برای مقیمی که روزه‌دار است و در اثنای همان روز سفر می‌کند، افطار کردن صحیح نیست مگر اینکه به خاطر سفر به مشقت بیفتد، به گونه‌ای که تحمل آن سختی معمولاً مشکل است در این صورت واجب است که روزه‌اش را افطار کند.<sup>۲</sup>

---

۱- الفقه المنهجي صفحه ۸۰: این مسافت در اصطلاح فقها مسافت قصر، نامیده می‌شود.

۲- روزه گرفتن برای مسافری که مشقتی را به خاطر روزه در سفر تحمل نمی‌کند، صحیح و بلکه افضل است.



# سال سوم

ضمیمہ قرآن و تعلیمات دینی (۳)

ویژہ اہل سنت

## حکومت اسلامی، پس از رسول خدا (ص)

قرائت و ترجمه

أَطِيعُوا اللَّهَ

وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ

وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ

فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ

إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ

ذَلِكَ خَيْرٌ

وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا

و سرانجامی نیکوتر

نساء، ۵۹

آیا ننگریستی به کسانی که

گمان می‌کنند که ایمان دارند

الَّذِينَ تَرَأَى الَّذِينَ

يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا

بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ

وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ

.....

می‌خواهند که داوری ببرند

يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا

.....

إِلَى الطَّاغُوتِ

درحالی که امر یافته‌اند به او کافر شوند

وَقَدْ أَمَرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ

.....

وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ

.....

أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا

نساء، ۶۰

### تفکر در آیات



در این آیات تفکر کنید و پیام‌های مربوط به حکومت را استخراج نمایید.

۱-

۲-

۳-

۴-

۵-

۶-

دانستیم که یکی از قلمروهای رسالت پیامبر اکرم (ص) برقراری حکومت و اجرای احکام الهی بود؛ زیرا احکام اجتماعی اسلام و پیاده کردن دستورات الهی بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست. پیامبر اکرم (ص)، همان‌طور که وظیفه داشت برای اقامه نماز و زکات تلاش کند، وظیفه داشت که «حکومت اسلامی» را تشکیل دهد و اداره جامعه را به دست گیرد و میان مسلمانان حکم کند. اکنون، این سؤال پیش می‌آید که آیا پس از رسول خدا (ص) هم نیازی به حکومت اسلامی هست و باید ادامه داشته باشد، یا نه؟

پاسخ به این سؤال مثبت است؛ زیرا: دین اسلام آخرین دین الهی و یک دین جاودانه است و احکام آن اختصاص به زمان پیامبر اکرم (ص) ندارد. با رحلت پیامبر اکرم (ص) عده‌ای که به مانعان زکات مشهورند، فکر می‌کردند حکومت فقط برای دوران پیامبر (ص) بوده و دیگر نیازی به انجام احکام اجتماعی اسلام، از جمله زکات نیست؛ بنابراین نیازی به حکومت اسلامی هم نیست. با تشکیل حکومت اسلامی عزت و سربلندی مسلمانان حفظ می‌شود و مانع تعرض بیگانگان به سرزمین‌های اسلامی می‌گردد.

با تشکیل حکومت اسلامی اهداف متعالی و بلند اسلام، مانند عدالت و حق، ترویج خیر و معروف، جلوگیری از منکرات و بدی‌ها، یاری به مستضعفان، دفاع از سرزمین‌های اسلامی، اجرای احکام قضایی، اقتصادی و سیاسی اسلام ممکن می‌گردد. این یک اصل اساسی و مورد اتفاق پنج مذهب رسمی مسلمانان است که اسلام دارای نوع و شکل حکومت ویژه خود است و هر حکومت دیگری که منطبق با قوانین اسلام تشکیل نشده باشد، واجب‌الاطاعه نیست و نمی‌تواند پیاده‌کننده احکام اسلام باشد.

علاوه بر این، با تشکیل حکومت اسلامی مهم‌ترین نیاز زندگی اجتماعی انسان‌ها، یعنی برقراری عدالت میسر می‌شود؛ نیازی که عامل اصلی تشکیل حکومت بوده است و از هنگامی که انسان‌ها زندگی اجتماعی را آغاز کرده‌اند، برای رسیدن به آن تلاش کرده‌اند. برقراری عدالت نیازی است که اختصاص به زمان رسول خدا ندارد.

دقت در بُعد اجتماعی و حیات جمعی انسان به وضوح نشان می‌دهد که ممکن نیست انسان مانند حیوانات دیگر بتواند به صورت انفرادی زندگی کند؛ بلکه نیاز به تعاون و همیاری است که پیوندهای اجتماعی را پدید می‌آورد.

از طرف دیگر، منفعت‌طلبی برخی انسان‌ها، سبب تجاوز به حق و حقوق دیگران می‌شود و کسانی که خود را قوی‌تر از دیگران می‌بینند، در صورتی که متخلق به اخلاق حسنه نباشند، در صدد آن برمی‌آیند که با زور و ظلم به اموال و ثروت دیگران دست‌درازی کنند. به دلیل پیدایش این قبیل ظلم‌ها و مزاحمت‌ها که همواره در تاریخ بشر اتفاق افتاده، و نیز نزاع‌ها و درگیری‌ها و هرج و مرج‌هایی که به دنبال آنها پدید آمده همواره نیاز به قانون و حکومتی که آن قانون را به اجرا درآورد حس می‌شده است.

می‌دانیم که تنها با وضع قوانین نمی‌توان مانع زورگویی و ستم‌ستمگران و هرج و مرج اجتماعی شد؛ زیرا ستمگران و کسانی که فقط به منافع خود فکر می‌کنند، تنها به آن بخش از قوانین پایبند می‌مانند



که منافع آنها را تأمین کند و متضاد با منافعی نباشد. به همین جهت همواره همراه با مقررات و قوانین اجتماعی باید کسانی باشند که به عنوان حاکمان جامعه، قانون را به اجرا درآورند و متخلفان را مجازات کنند و مانع هرج و مرج گردند. ترس از مجازات سبب می شود افرادی که خود را هم تربیت نکرده و به زیور اخلاق آراسته نیستند، مقررات اجتماعی را رعایت کنند.

البته جای انکار نیست که ترس از مجازات هم نمی تواند مانع جدی در مقابل قانون شکنان و متجاوزان باشد و راه تخلف را ببندد؛ زیرا مردمی که نفوذ و قدرت کامل دارند می توانند قوانین را به نفع خود وضع کنند یا آنها را مطابق میل خود دست کاری نمایند.

بنابراین، قانونی می تواند نابسامانی های اجتماعی را سامان دهد و عدالت اجتماعی را محقق سازد که از جانب خداوند وضع شده باشد؛ زیرا اولاً او در وضع قوانین هیچ منفعتی برای خود طلب نمی کند، ثانیاً عموم انسان ها، در اجرای قانون، خود را در برابر خداوند مسئول می دانند و به پاداش یا مجازاتی که بر اثر رعایت یا عدم رعایت قانون دریافت خواهند کرد، بیشتر توجه می نمایند.

امروزه مسلمانان، در صحنه امور سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با مسائل جدیدی روبه رو هستند که بدون وجود حکومت اسلامی، حل آن مسائل امکان پذیر نیست. بانکداری، بیمه های اجتماعی، پیوند اعضا و خرید و فروش عضو، نحوه استفاده از رسانه های جدید مانند اینترنت، نحوه ارتباط با کشورهای مختلف و با نظام های سیاسی متفاوت، ارتباط با سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل متحد و یونسکو و صدها مسئله دیگر امروزه پدید آمده که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را بیش از گذشته کرده است؛ حکومتی که رهبران آن بر مبنای اسلام و با استفاده از قرآن و سنت به حل مسائل جدید بپردازند و حکم اسلام را در این مسائل به اجرا درآورند.<sup>۱</sup>

---

۱- بر همین مبنا در ایران پس از انقلاب اسلامی، با رأی قاطع مردم در سال ۱۳۵۸، نوع حکومت به شکل جمهوری اسلامی اعلام گردید و زمینه برای اجرای احکام الهی فراهم آمد: با توجه به اینکه مذهب شیعه یکی از پنج مذهب رسمی در میان مسلمانان است، حکومت اسلامی ایران بر اساس دیدگاه های کلامی و فقهی شیعه تشکیل شده است که روابطی بسیار عالی و وسیع با مسلمانان سایر مذاهب در جهان دارد و در بسیاری از کشورها موجب بیداری و دلگرمی شده و ایده تشکیل حکومت اسلامی و دوری از حکومت های طاغوتی و مبارزه با استعمارگران و مستکبران را گسترش داده است. مبانی حکومت اسلامی در مذاهب پنج گانه، بسیار به یکدیگر نزدیک است و در جزئیات، تفاوت هایی مشاهده می شود. لذا اگر در برخی تعبیرات این کتاب ضمیمه تفاوتی مشاهده می شود، در جزئیات، و بنابر تعبیرات و دیدگاه های کلامی و فقهی اهل سنت است و چون در قانون اساسی حقوق مذهب اهل سنت محترم شمرده شده، در بخش آموزش نیز، طرح دیدگاه های کلامی و فقهی ویژه دانش آموزان اهل سنت فراهم آمده است. همین امر موجب اتحاد بیشتر و همدلی اهل سنت با برادران شیعی شده است تا همه در کنار هم و با برنامهریزی نظام اسلامی برای عزت و سربلندی ایران اسلامی و اعتلای اسلام در جهان عمل نمایند.

برخی از مسائل جدید در دنیای امروز را که در گذشته مطرح نبوده و نیازمند به‌دست آوردن پاسخ آنها از قرآن کریم و سنت است، نام ببرید و راه‌حل‌هایی را که به نظر شما می‌رسد، در کلاس ارائه دهید.

## خلافت و امامت

خلافت به معنای جانشینی و امامت به معنای رهبری و پیشوایی است. همان‌طور که گفتیم، حکومت اسلامی اختصاص به زمان رسول خدا (ص) ندارد و پس از ایشان نیز ادامه می‌یابد. کسی که پس از رسول خدا (ص) عهده دار حکومت اسلامی می‌شود، «خلیفه» نام دارد؛ زیرا چنین شخصی جانشین رسول خدا (ص) است و پس از ایشان وظیفه اجرای احکام الهی در جامعه را برعهده دارد. و از آنجا که چنین شخصی رهبری و پیشوایی مردم را برعهده دارد، او را امام نیز می‌خوانند. پیروی و اطاعت از خلیفه بر مردم لازم است. مردم باید فرمان‌ها و دستورات او را تبعیت کنند و در اجرای قوانین الهی یاری‌اش نمایند.

## تفکر در آیات

با تفکر در آیات ابتدای درس توضیح دهید که کدام آیه به جانشینی پس از رسول خدا (ص) اشاره دارد و مردم را به چه چیزی فرمان می‌دهد؟

## شروط لازم برای خلیفه یا امام

از آنجا که جانشینی پیامبر اکرم (ص) و رهبری و اداره جامعه، مهم‌ترین مسئولیت الهی است، هر کسی توانایی و لیاقت پذیرفتن چنین مسئولیتی را ندارد. کسی باید این مسئولیت را بپذیرد که از شرایط زیر برخوردار باشد:

۱- خلیفه باید مسلمان و مؤمن باشد و غیر مؤمن نباید بر مقدرات مؤمنان سیطره و حکومت

داشته باشد.

۲- خلیفه باید مرد باشد؛ زیرا خلافت از کارها و وظایف بسیار شاق و پرخطر است و خداوند کارهای سخت را بر دوش مردان گذاشته و زنان را معاف کرده است.

۳- خلیفه باید عاقل و بالغ باشد؛ زیرا غیرعاقل و غیربالغ را یارای چنین کاری نیست.

۴- خلیفه باید به احکام دین آگاه باشد و بتواند با قدرت اجتهاد و استنباط، احکام دین را از منابع دینی استخراج کند و پاسخ مسائل جدیدی را که در دنیای امروز مطرح می‌شود از کتاب و سنت به دست آورد.

این شرط، لازمه تحقق حکومت اسلامی است؛ زیرا حکومت اسلامی، آن شکلی از حکومت است که قوانین و احکام اسلامی در آن پیاده شود و حاکم آن مجری احکام الهی باشد. وقتی حاکم می‌تواند مجری احکام الهی باشد، که خود با این احکام آشنایی کافی داشته باشد و هرگاه با مسئله جدیدی روبه‌رو شود، با استفاده از قدرت اجتهاد و دانش دینی خود، بتواند حکم آن مسئله را به دست آورد و اعلام نماید.

۵- خلیفه باید عادل باشد و بر اساس عدل و داد بر مردم حکومت کند. او باید آراسته به فرائض و فضائل و مبرا از گناه و رذائل و هر چه که محلّ مرّوت است، باشد. عبدالله بن عمر (رضی الله عنه) گوید که: رسول خدا (ص) فرمود: خدای تعالی بزرگوارتر از عدل بر زمین چیزی نیافرید. عدل ترازوی خداست بر زمین و هر کس بدین ترازو دست یازد او را تا بهشت می‌برد.

۶- کفایت: خلیفه باید قادر به رهبری مردم باشد و بتواند سختی‌های اداره امور را تحمل کند.

۷- سلامت: خلیفه یا امام باید از سلامتی برخوردار باشد و نقصی که مانع انجام وظایف و مسئولیت‌هاست، نداشته باشد.

حاکم اسلامی با از دست دادن هر یک از این شرایط، حق حاکمیت خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند بر مردم حکومت کند؛ مثلاً اگر حاکم عدالت یا کفایت خود را از دست دهد، شرعاً حاکم مسلمانان نیست و حکم او قابل اجرا نمی‌باشد.

## تکالیف خلیفه یا امام

خلیفه در برابر امت دو وظیفه و مسئولیت کلی برعهده دارد:

۱- اقامه اسلام

۲- اداره امور حکومت در چارچوب اسلام

برای اینکه خلیفه بتواند این دو مسئولیت مهم را به انجام برساند، باید ویژگی‌ها و خصوصیات داشته باشد؛ از جمله:

- ۱- با مردم و به خصوص اهل نظر و علم و دانش مشورت کند و از نظرات آنها بهره ببرد.
- ۲- در میان مردم باشد و مانند آنان زندگی کند.
- ۳- مراقب کارگزاران خود باشد و بر کار آنها نظارت کند.



با دوستان خود مشورت کنید و ویژگی‌های دیگری را که به نظر شما بهتر است حاکم اسلامی داشته باشد مشخص نمایید.

## راه انتخاب خلیفه و امام

خلیفه از طرف مردم یا خبرگان مردم که نام دیگر آن شورای حلّ و عقد است، انتخاب می‌گردد. مردم با چنین خلیفه‌ای بیعت می‌کنند و به فرمان‌هایش عمل می‌نمایند. کسی که بدون نظر و رأی شورای امت قدرت را به دست بگیرد، دیگر عنوان خلیفه در مورد او مصداق ندارد، بلکه عناوینی مانند شاه، سلطان و دیکتاتور در مورد او صدق می‌کند. چنین حکومتی هم در اسلام جایگاهی ندارد و از ارزش و اعتبار برخوردار نیست. خلافت، پیش از آنکه یک مقام باشد، یک مسئولیت است و کسی که خود طالب آن باشد، اهلیت این کار را ندارد. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «به خدا سوگند، ما کسی را که بر این کار حریص بوده یا درخواست کند، متصدی نخواهیم کرد» و یا فرموده است: «خائن‌ترین شما پیش ما کسی است که آن (مقام و منصب) را مطالبه نماید.»<sup>۱</sup>



۱- در آیه ۸۳ سوره نساء تفکر کنید و نکاتی را که درباره حاکم اسلامی به دست می‌آورید، یادداشت کنید.

۱- صحیح ابو داود

- ۲- از آیه‌های ۱۰۵ سوره نساء و ۴۸ سوره مائده چگونه می‌توان بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی توسط پیامبر (ص) استدلال کرد؟
- ۳- با تأمل در شروط لازم برای حاکم اسلامی، ویژگی‌های مشترک بین پیامبر، خلیفه و حاکم اسلامی را استخراج کرده، پیرامون هر کدام توضیح مختصری بنویسید.

## ویژگی‌های حکومت اسلامی

در درس گذشته با ضرورت تشکیل حکومت اسلامی پس از پیامبر اکرم (ص) و چگونگی انتخاب جانشین آن حضرت آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم به شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات حکومت اسلامی بپردازیم و ببینیم که این حکومت چه تفاوت‌هایی با سایر حکومت‌ها و نظام‌ها دارد.

### قرائت و ترجمه

و این چنین شما را امتی میانه قرار دادیم  
تا بر مردمان گواه باشید  
و پیامبر بر شما گواه باشد

بقره، ۱۴۳

باید از شما مردمی پدید آید  
.....  
.....  
.....  
.....

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا  
لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ  
وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ...

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ  
يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ  
وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ  
وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آل عمران، ۱۰۴

..... وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا  
 ..... وَاحْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ  
 بعد از اینکه دلایل روشن برایشان آمد  
 ..... مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتِ  
 ..... وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

آل عمران، ۱۰۵

### شورا و مشورت

شورا بر وزن فَعْلَى، اسم مصدر از «تشاور» و از ریشه «شور» به معنای عسل و یا برداشت عسل از محل آن است. در اصطلاح، به معنای مشورت و اظهار نظر و ابراز عقیده و رأی در کار است. اصل مشورت، یکی از اصول مهم حکومت اسلامی است و قرآن کریم بر آن تأکید کرده و خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

..... فَمَا رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ  
 لَئِن تَ لَّهُمْ  
 برای ایشان نرم شدی  
 ..... وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ  
 و اگر درشتخوی سخت دل بودی  
 ..... لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ  
 از گرد تو پراکنده می‌شدند  
 ..... فَأَعْفُ عَنْهُمْ  
 ..... وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ  
 ..... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ  
 ..... فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ  
 ..... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

آل عمران، ۱۵۹

پیامبر اکرم (ص) به امر خداوند متعال، مؤمنان را کرامت بخشید و لیاقت و شایستگی انسانی را در وجودشان به آنان نمایاند تا بتوانند پس از رسول خدا (ص) امور جامعه خود را حلّ و فصل کنند و به پیش ببرند. البته پیامبر اکرم (ص) در امر تشریح و احکام اسلامی با کسی مشورت نمی کرد و آنچه را که حکم الهی بود به اجرا درمی آورد. موارد مشورت ایشان مربوط به کیفیت اجرای برخی از کارها بود. به طور مثال، وقتی احزاب و مشرکان مکه به سوی مدینه لشکرکشی کردند، رسول خدا فرمان جهاد و دفاع را صادر کرد. اما در مورد کیفیت دفاع با مسلمانان مشورت کرد. در این مشورت بود که سلمان فارسی پیشنهاد داد اطراف مدینه خندق حفر کنند تا مشرکان نتوانند مدینه را مورد تعرض یکباره خود قرار دهند. رسول خدا (ص) نیز این پیشنهاد را پذیرفت و مسلمانان به حفر خندق پرداختند.



درباره اصل مشورت با یکدیگر گفت و گو کنید و بگویید که تصمیم گیری براساس مشورت چه مزایایی دارد.

یکی از سوره های قرآن کریم «شورا» نام دارد. در همین سوره، ضمن آیاتی که برخی از ویژگی های مؤمنان را بیان می کند، چنین می خوانیم :

..... وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ  
 ..... وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ  
 و کارشان با مشورت میان خودشان باشد  
 ..... وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

شوری، ۳۸

اصل شورا، یک اصل ثابت و تغییرناپذیر است اما از نظر وضع ظاهر، پیوسته دگرگون می شود و تنها کارداناان و اهل بصیرت مجاز به دادن چنین تغییراتی هستند.



عموم مؤمنان و مسلمانان عضو شورا هستند و در حدود قوانین و مقررات اسلامی طرف مشورت قرار می‌گیرند. اما چون برای همه مسائل، اجتماع و نظرخواهی همه مردم ممکن نیست، روش‌های مختلفی برای شورا به کار می‌برند. مثلاً مردم افرادی را که در میان خود به صداقت، امانت‌داری و تقوا و علم مشهورند به‌عنوان نماینده انتخاب می‌کنند تا در مسائل خاص اظهار نظر نمایند و تصمیم‌گیری کنند. شرط اصلی چنین انتخاب‌هایی آگاهی و آزادی انتخاب‌کنندگان است تا بتوانند بدون اغفال و در آزادی کامل کسی را که تشخیص می‌دهند برای شورا مناسب است، انتخاب کنند. یکی از مهم‌ترین شوراها، شورای خبرگان یا «اهل حلّ و عقد» است که دربارهٔ مهم‌ترین مسائل حکومت اسلامی، از جمله تعیین خلیفه و امام اظهار نظر می‌کند و شخصی که دارای شرایط رهبری است، به‌خلافت برمی‌گزیند.



امروزه نمونه‌های مختلفی از شورا در کشور ما وجود دارد. چهار مورد از آنها را نام ببرید و توضیح دهید که هر کدام دربارهٔ چه مسائلی مشورت می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین انتخاب‌های مردم، انتخاب خلیفه و پیشوای مسلمانان است. چنانچه کسی بدون داشتن شرایط و بدون رأی و نظر شورای منتخب مردم قدرت حکومت را به‌دست بگیرد، دیگر عنوان خلیفه و پیشوایی مردم در مورد او مصداق ندارد؛ بلکه عناوینی مانند شاه، سلطان، دیکتاتور و مانند آن در مورد او صدق می‌کند که در اسلام جایگاهی ندارد.

### حضور مردم

پایه‌های حکومت اسلامی بر پذیرش مردم استوار است. وقتی مردم به دین اسلام و پیامبری پیامبر اکرم (ص) ایمان آوردند، و جامعهٔ اسلامی تشکیل شد، امکان تشکیل حکومت اسلامی به‌وجود می‌آید. به‌همین جهت، لازمهٔ اقتدار حاکم اسلامی قبول وی از جانب مردم است. در این صورت است که خلیفه و امام می‌تواند برنامه‌های خود را به اجرا درآورد و مردم را در جهت اهداف و برنامه‌هایی که دارد به فعالیت و کار و تلاش تشویق نماید. اگر خلیفه مورد قبول مردم نباشد، حکومت به سمت دیکتاتوری و استبداد حرکت خواهد کرد و از مردم جدا خواهد شد و در مواقع سخت، مردم از آن پشتیبانی نخواهند

کرد. به همین جهت باید همواره یک رابطه عاطفی میان حاکم جامعه اسلامی و مردم وجود داشته باشد تا مردم حاکم را از خود بدانند و از او حمایت کنند.

### تفکر در آیات

در آیه ۱۵۹ آل عمران بیندیشید و نکاتی را که درباره رابطه مردم با رهبر جامعه اسلامی است، استخراج نمایید.

### استقلال سیاسی

حکومت اسلامی رابطه خود با سایر ملت‌ها و حکومت‌ها را براساس موازین اسلامی تنظیم می‌کند. مطابق با این موازین، به هیچ حکومتی اجازه نفوذ و دخالت را نمی‌دهد؛ با کشورهایی که روابط عادلانه متقابل را رعایت کنند، رابطه برقرار می‌کند و در مقابل کشورهایی که بخواهند به سرزمین اسلامی یا منافع آن تجاوز نمایند، سرسختانه و با شجاعت می‌ایستد و مقابله می‌کند.

### تفکر در آیات

در آیه ۱۴۱ سوره نساء بیندیشید و رهنمود آیه درباره رابطه دیگر کشورها را توضیح دهید.

### تفاوت حکومت اسلامی با حکومت‌های به سبک غربی

حکومت دمکراتیک یا مردم‌سالار، حکومتی است که در آن خواست اکثریت مردم تعیین‌کننده شکل نظام و قوانین اساسی جامعه است، نه خواست و اراده فرد یا گروهی خاص که البته همین ویژگی هم در دنیای کنونی به‌درستی اجرا نمی‌شود. حکومت‌هایی که امروزه به حکومت‌های دمکراتیک شهرت دارند، حکومت اقلیت ثروتمندان و سرمایه‌داران بر اکثریت مردم است. سرمایه‌داران بزرگ در کشورهای غربی، با تکیه بر ثروت عظیم و تبلیغات قوی و نفوذ در ارکان حکومت، افکار مردم را به سوی اهداف

و شخصیت‌های موردنظر خود جلب می‌کنند و آرای آنها را به دست می‌آورند.<sup>۱</sup>

نظام اسلامی حقیقتاً با خواست اکثریت مردم تشکیل می‌شود. اما این تفاوت مهم را با نظام‌های دموکراتیک دارد که مبنای نظام اسلامی حاکمیت اراده و قانون الهی بر همه بخش‌های جامعه است. نظام اسلامی زمانی در کشوری استوار می‌شود که اکثریت مردم بپذیرند که زندگی فردی و اجتماعی آنها مطابق با قانون الهی اداره شود. به همین جهت، این نظام، «مردم‌سالاری دینی» نامیده شده است.

دموکراسی‌های رایج در جهان، هدف خود را تأمین خواسته‌های دنیوی مردم قرار داده و نسبت به ارزش‌های الهی بی‌اعتنا هستند و گاهی هم با آن مخالفت دارند. اما هدف اصلی در حکومت اسلامی آن است که با برقراری عدالت اجتماعی، زمینه‌های رشد و تعالی مردم را مهیا کند و ارزش‌های اخلاقی اسلام را گسترش دهد.

### رابطه متقابل مردم با خلیفه مسلمانان

همان‌طور که نظام اسلامی بدون خواست و پذیرش مردم شکل نمی‌گیرد، بدون دخالت و حمایت مردم نیز تداوم نمی‌یابد. مردم باید برای دوام نظام و رشد و پیشرفت آن در همه ابعاد زندگی تلاش کنند و با انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به خیر، خوبی‌ها را در جامعه گسترش داده و مانع ظهور بدی‌ها و منکرات گردند. آنان حتی وظیفه دارند نسبت به خلیفه و کارگزاران او ناصح باشند و با تذکرات خود آنان را در انجام مسئولیت‌ها یاری کنند و مشاوره دلسوز برای آنان باشند.

خلیفه و امام مسلمانان نیز باید نسبت به همه مردم مهربان باشد، راه استبداد را پیش نگیرد، با مسلمانان مشورت کند و بداند که خداوند بر او حاکم و ناظر است. عدل را که مهم‌ترین وظیفه حکومت است در جامعه گسترش دهد و میان مردم بر عدل و داد حاکمیت کند. رضایت عمومی را بر رضایت خواص و نزدیکان ترجیح دهد، با افراد شجاع مشورت کند، نیکوکار را تشویق و بدکار را سرزنش نماید. پاسدار طبقات محروم و مستضعف جامعه باشد، به وضع آنان رسیدگی کند و کارهای فراوان حکومت مانع رسیدگی به آنان نگردد. در مقابل آنان متواضع و فروتن باشد و آنان را نزدیک‌ترین طبقات به خود بداند. در اجرای قوانین و حدود الهی تحت تأثیر هیچ کس واقع نشود و با شجاعت دین خدا را در جامعه پیاده کند.

---

۱- برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب «نظم‌های کهنه و نوین جهانی» اثر نوام چامسکی از انتشارات اطلاعات مراجعه کنید.

## تفکر در آیات



در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌هایی را که با موضوعات درس ارتباط دارد، استخراج کنید.

## اندیشه و تحقیق

- ۱- تأثیرات شورا در حکومت اسلامی و مسائل امت اسلام را با یکدیگر مقایسه نمایید.
- ۲- تفاوت‌های حکومت اسلامی با حکومت‌های رایج در میان انسان‌ها را از نظر رابطه متقابل حاکم و مردم یافته، ویژگی‌های مثبت حکومت اسلامی را در این میان بیان کنید.

### خلفای راشدین

در بحث‌های گذشته با ضرورت ادامه یافتن حکومت اسلامی پس از رسول خدا (ص) آشنا شدیم و دانستیم که حکومت اسلامی و رهبری آن دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر حکومت‌ها متمایز می‌کند. در این درس می‌خواهیم با خلفا و جانشینان رسول خدا (ص) که پس از وی رهبری و پیشوایی جامعه اسلامی را برعهده گرفتند بیشتر آشنا شویم.

#### ۱- حضرت ابوبکر (رضی الله عنه)

عبدالله بن عثمان (ابوبکر) اولین خلیفه رسول الله بود که پس از رحلت رسول خدا (ص) مردم با او بیعت کردند. وی، قبل از اسلام در میان مردم به راستگویی مشهور بود و پس از ظهور اسلام، پیامبر بزرگوار (ص) به ایشان لقب صدیق داد.

ابوبکر (رض) از قبیله بنی تمیم است که شاخه‌ای از قبیله بزرگ قریش می‌باشد. نسبش به مّره می‌رسد که جدّ ششم رسول خدا (ص) نیز می‌باشد. اندکی پس از ظهور اسلام به حضور رسول خدا (ص) رسید و رسالت آن حضرت را تصدیق کرد. رسول خدا (ص) به وی فرمود: «انت عتیق الله من النار - تو از آتش جهنم مصون هستی». پدرش عثمان که مشهور به «ابوقحافه» بود، در سال فتح مکه مسلمان شد. مادرش ام‌الخیر (سلمی) بنت صخر یکی از زنان اولیه اسلام است که قبل از هجرت در خانه ارقم بن ابی ارقم که محل اجتماع مسلمانان در مکه بود به دین اسلام مشرف شد. ابوبکر تنها شخصیتی است که خود و پدر و پسر و نوه‌اش محمد بن عبدالرحمن (چهار نسل) همگی از اصحاب رسول الله (ص) می‌باشند.

#### برخی از فضائل حضرت ابوبکر (رضی الله عنه)

۱- ابوبکر (رض) پیش از اسلام نیز به نیکوکاری مشهور بود و به درماندگان و فقیران کمک می‌کرد. با ظهور اسلام ثروت خود را در راه اعتلای اسلام و آزادی بردگان خرج کرد که از جمله بردگانی که آزاد کرد می‌توان از بلال حبشی، عابرن فهییره و نیره ام حبس نام برد.

۲- در میان بزرگسالان مرد، اولین کسی بود که به پیامبر ایمان آورد. از میان زنان حضرت خدیجه و از میان جوانان و نوجوانان حضرت علی (کرم الله وجهه) و از میان بردگان زید بن حارثه اولین اشخاصی هستند که بر همگان در تشرّف به دین اسلام سبقت گرفتند.

۳- یگانه همراه پیامبر (ص) در هجرت از مکه به مدینه بود. برخی نوشته‌اند، پس از آنکه رسول الله (ص) به مسلمانان اجازه داد تا به شهر مدینه مهاجرت کنند، ابوبکر نیز تصمیم به هجرت گرفت و برای کسب اجازه نزد رسول خدا (ص) آمد. پیامبر (ص) به او فرمود: «لَا تَعْجَلْ لَعَلَّ اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ لَكَ رَفِيقًا» - عجله مکن، امید است که خدای تعالی برای تو رفیقی و همسفری قرار دهد» مشیت الهی چنان بود که این رفیق، رسول الله (ص) باشد و ابوبکر یار غار او گردد.

۴- بسیار متواضع بود و زندگی کاملاً بی‌آلایش و بی‌تکلفی داشت و نسبت به خواهش‌های دنیایی بی‌اعتنا بود. در عین تواضع و فروتنی در اجرای احکام و حدود شرعی سخت‌گیر بود و شجاعانه و بی‌پروا عمل می‌کرد.

### برخی از اقدامات مهم حضرت ابوبکر (رض) در دوران خلافت

۱- پس از رحلت رسول خدا (ص) دستور داد کاتبان و حافظان وحی، قرآن را که در صفحاتی پراکنده نوشته شده بود، جمع‌آوری کنند و در یک مصحف قرار دهند. این دستور وقتی صادر شد که هفتاد نفر از حافظان قرآن در جنگ با مسیلمه کذاب به شهادت رسیدند.

۲- سپاه اسامه بن زید را که قبل از رحلت رسول خدا (ص) آماده حرکت به سرحدات روم شده بود، بار دیگر تجهیز کرد و به آن منطقه اعزام نمود.

۳- با پیامبران دروغین و قبایل مشرک و مرتد و فتنه‌جویان که رحلت رسول خدا (ص) را موقعیتی مناسب برای آشوب تشخیص داده بودند، جنگید و به فتنه آنها خاتمه داد.

۴- پایه‌های دولت اسلامی را تحکیم کرد و قبایل پراکنده را در زیر پرچم پرافتخار اسلام متحد ساخت.

۵- به دستور او لشکر اسلام به فرماندهی خالد بن ولید در یک جهاد آزادی‌بخش، قسمت زیادی از خاک عراق را آزاد کرد و جزء سرزمین اسلامی نمود. همچنین بخشی از شام را از رومیان گرفت و به قلمرو اسلام ضمیمه کرد.

۶- کسانی را که مانع زکات بودند و از پرداخت زکات خودداری می‌کردند، مجبور به پرداخت زکات کرد و حق فقیران و مستمندان و حکومت اسلامی را از آنها گرفت.

ام المؤمنین عایشه می‌گوید: حضرت ابوبکر (رض) در روز دوشنبه هفتم جمادی الآخر در سال

سیزدهم هجری بیمار شد و پانزده روز نتوانست به مسجد برود. تا اینکه بعد از غروب روز سه‌شنبه بیست و دوم همان ماه به جوار رحمت حق تعالی پیوست و طبق وصیت خودش او را در حجره‌ام المؤمنین عایشه در جنب ضریح منور رسول الله (ص) به خاک سپردند. ایشان دو سال و سه ماه خلافت کرده و در سن ۶۳ سالگی رحلت کرده است. به روایت شیخ سیوطی حضرت ابوبکر (رض) صد و چهل و دو حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است. فردوسی با الهام گرفتن از حدیث نبوی در مدح حضرت ابوبکر صدیق (رض) چنین گفته است.

که خورشید بعد از رسولان مه      نتابید بر کس ز بوبکر به



از شیوه زندگی و ویژگی‌های حضرت ابوبکر (رض) چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟  
چهار مورد آن را با هم فکری با همکلاسی‌هایتان انتخاب کنید.

## ۲- حضرت عمر (رضی الله عنه)

حضرت عمر (رض) لقبش فاروق (تمیزدهنده حق از باطل) و کنیه‌اش ابو حفص است. نسب حضرت عمر در کعب بن لوی به پیامبر اکرم (ص) می‌رسد. او سیزده سال پس از تولد رسول خدا (ص) در مکه متولد شده است. در سن بیست و هفت سالگی پس از مسلمان شدن چهل مرد و یازده زن به اسلام مشرف شد.

پیش از اسلام حضرت عمر، پیامبر (ص) دعا نمود و گفت: «اللَّهُمَّ أَعِزِّ الْإِسْلَامَ بِأَحَبِّ هَدَّيْنِ الرَّجُلَيْنِ عِنْدَكَ، بَعْمَرِ بْنِ الْخَطَّابِ أَوْ بَعْمَرِ بْنِ هِشَامٍ»؛ یعنی پروردگارا دین اسلام را عزت و تقویت ببخش، با مسلمان شدن یکی از این دو مردی که نزد تو محبوب‌تر باشد، عمر بن خطاب یا عمرو بن هشام (ابو جهل). دعای پیامبر درباره حضرت عمر مستجاب شد و مسلمان گردید. اما عمرو بن هشام (ابو جهل) چون روح حق‌پذیری نداشت، با همه ذکاوتش تا پایان عمر بر کفر و دشمنی با اسلام و مسلمانان باقی ماند و عاقبت در جنگ بدر به قتل رسید.

وقتی که حضرت عمر (رض) در خانه ارقم بن ابی ارقم مسلمان شد، به پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا مگر ما بر دین حق نیستیم؟ پس چرا دین خود را پنهان بداریم؟ بعد از این پیشنهاد، مسلمانان

به همراهی عمر در رکاب رسول خدا (ص) از خانه ارقم به سوی خانه کعبه آمدند و آشکارا به طواف کعبه و انجام مراسم مذهبی پرداختند. فردوسی در این باره چنین گفته است :

عمر کرد اسلام را آشکار      بیاراست گیتی چو باغ بهار

شگفت‌انگیز اینکه بزرگان و کفار قریش که در اطراف کعبه بودند، به این منظره باشکوه نگاه می‌کردند، اما با آن همه دشمنی و ستیزی که با پیامبر (ص) و مسلمانان داشتند، جرأت نکردند که در کار آنها دخالت کنند یا اعتراض نمایند.

### برخی از فضائل حضرت عمر (رض)

حضرت عمر (رض) فردی شجاع، صریح‌اللهجه، عادل، متواضع و مورد اعتماد مردم بود. از برجستگان کاتبان وحی بود. نسبت به زورگویان بسیار سخت‌گیر و نسبت به عموم مردم فروتن و متواضع بود. او به مسلمانان دستور داده بود که در هنگام فتح سرزمین‌های کفار، حقوق مردم را رعایت کنند و با آنها با رأفت اسلامی رفتار نمایند. گوستاولوبون مورخ فرانسوی در کتاب «تمدن اسلام» می‌گوید :

«در دنیا فاتحینی مهربان‌تر و عادل‌تر از مسلمانان دیده نشده است. آنان با حسن رفتار و عدالت بی‌سابقه خود بهتر و بیشتر از عملیات نظامی به پیروزی حیرت‌انگیزشان رسیدند...»

حضرت عمر (رض) پانصد و سی و نه حدیث را از پیامبر (ص) نقل کرده است.

حضرت عمر مانند رسول الله (ص) و ابوبکر شصت و سه سال زندگی کرد. مدت خلافتش ده سال و شش ماه بود. در صبح روز چهارشنبه بیست و ششم ماه ذی‌الحجه، هنگامی که در مسجد می‌خواست نماز صبح را به امامت با مسلمانان ادا کند، به‌وسیله ابولؤلؤ (فیروز) غلام مغیره بن شعبه مورد حمله قرار گرفت و با ضربات شمشیر زهرآگین جراحات شدیدی برداشت. ابولؤلؤ کافر، پس از حمله به حضرت عمر (رض) سیزده نفر از مسلمانان نمازگزار را مجروح ساخت که به قولی سه نفر از آنها شهید شدند.

حضرت عمر (ص) بر اثر جراحات وارده در صبح روز یکشنبه اول ماه محرم سال بیست و سوم هجری به درجه شامخ شهادت نایل گردید. جسد او را در جوار ضریح مبارک رسول الله (ص) و در کنار قبر ابوبکر صدیق (رض) به خاک سپردند. بدین‌گونه اولین ترور در اسلام با شهادت خلیفه رسول الله (ص) شکل گرفت.

### برخی از اقدامات مهم حضرت عمر (رض)

۱- تقسیم قلمرو پهناور اسلام به ۲۳ ایالت و انتخاب بهترین افراد برای تولیت امور ایالت‌ها



- ۲- تأسیس سازمان پلیس که کار افراد آن در شب‌ها حفظ انتظامات و امنیت شهرها و در روز مأمور اجرای احکام قضایی و حدود شرعی بود.
- ۳- تأسیس یک سازمان ساده گمرک که وظیفه‌اش دریافت ده درصد حقوق گمرکی از تجار خارجی بود.
- ۴- تأسیس دبیرخانه و نظام امور مالی برای ثبت و رسیدگی به امور بیت‌المال و درآمد حقوق‌بگیران.
- ۵- تعیین تاریخ اسلام که پس از مشورت و تبادل نظر، آغاز تاریخ اسلام بر مبنای هجرت رسول‌الله (ص) از مکه به مدینه تعیین گردید.
- ۶- گسترش قلمرو اسلامی به سرزمین‌های ایران و روم شرقی و آزادسازی مردم ستمدیده این دو سرزمین و مسلمان شدن آنها.
- ۷- اجرای عدالت در قلمرو وسیع اسلامی و مبارزه با ستمگران و تعرض‌کنندگان به حقوق مردم.



از شیوة زندگی و ویژگی‌های حضرت عمر (رض) چه درس‌هایی می‌توانیم بگیریم؟  
چهار مورد آن را با هم فکری با همکلاسی‌هایتان انتخاب کنید.

### ۳- حضرت عثمان (رضی الله عنه)

عثمان بن عفان سومین خلیفه مسلمانان است که با انتخاب شورای تعیین شده از طرف حضرت عمر (رض) به خلافت رسید و مردم با او بیعت کردند. نسبش در جد سوم، به «عبد مناف» می‌رسد که جد پیامبر (ص) نیز می‌باشد. وی از سابقین در اسلام است که بر اثر علم و درایت زیاد با دیدن پیامبر (ص) و شنیدن آیات الهی شهادتین را بر زبان جاری کرد.

پیامبر اکرم (ص) ابتدا دختر خود، «رقیه» را به عقد عثمان درآورد. رقیه هم‌زمان با جنگ بدر فوت کرد. پس از این واقعه، پیامبر (ص) دختر دیگر خود، «ام‌کلثوم» را به عقد او درآورد. به همین سبب او را «عثمان ذی النورین» می‌گفتند. ام‌کلثوم نیز در همان زمان رسول خدا (ص) فوت کرد. آن حضرت فرمود: اگر دختر دیگری می‌داشتم، او را به عقد عثمان درمی‌آوردم.

او که از ثروتمندان مکه و فردی معروف و مشهور بود، پس از مسلمان شدن، اموال خود را برای اعتلای اسلام خرج کرد. در ماجرای که منجر به صلح حدیبیه شد، به عنوان سفیر پیامبر (ص) نزد مشرکان رفت و خطر مرگ را به جان خرید و مأموریت خود را به نحو احسن انجام داد. آن بزرگوار دو بار مهاجرت کرد، یک بار به حبشه و سپس از آنجا به مدینه.

### برخی از فضائل حضرت عثمان (رض)

عثمان انسانی خوش قیافه و زیبا، همراه با شرم و حیای مخصوص بود. ام المؤمنین عایشه (رض) می گوید: هنگامی که پیامبر (ص) ام کلثوم را به عقد عثمان درآورد، به او گفت: شوهرت از همه کس به جدت ابراهیم خلیل (ع) و پدرت محمد (ص) شبیه تر است.

او در میان مردم به گرم و بخشندگی و سخاوت مشهور بود. انسانی بسیار مهربان و فضیلت‌های انسانی در او عیان بود.

حضرت عثمان که مردی تاجرپیشه و ثروتمند بود، در چندین مرحله اموال و دارایی خود را در راه خدا و پیشبرد اهداف مقدس اسلام به مصرف رسانید. از جمله: پرداخت هزینه و سازوبرگ جنگی سپاهیان اسلام در جنگ تبوک، خریداری چاه آب رومه و تعمیر و وقف کردن آن چاه برای مسلمانان، توزیع گندم‌های کاروان تجاری خود در یک سال قحطی در بین فقراى مدینه. حضرت عثمان، نامه‌های رسول خدا (ص) را می نوشت.

### برخی از اقدامات حضرت عثمان (رض) در دوره خلافت

۱- نشر و تکثیر قرآن کریم: به دلیل گسترش اسلام در سرزمین‌های مختلف و نیاز مردم آن مناطق و شهرها به قرآن و فراگیری صحیح آن، به دستور ایشان نسخه‌های زیادی از قرآن که دارای یک رسم الخط بود، منتشر کردند و به نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی فرستادند.

۲- گسترش سرزمین‌های اسلامی: در زمان ایشان مناطق دیگری از جمله جنوب شرقی و نواحی شمال از خاک ایران و برخی نواحی تحت تسلط روم توسط مسلمانان فتح شد و جزء قلمرو حکومت اسلامی درآمد و قلمرو اسلامی از شمال آفریقا تا نزدیکی اقیانوس اطلس امتداد یافت.

حضرت عثمان (رض) حدود دوازده سال خلافت کرد. در اواخر خلافت وی، عده‌ای طغیانگر و ناراضی به مدت چهل شبانه‌روز خانه او را محاصره کردند و تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند. روزی که شورشیان می‌خواستند وارد خانه شوند، حضرت علی (کرم الله وجهه) و چند نفر دیگر از صحابه و فرزندان خود را به منظور دفاع و محافظت از آن حضرت به سوی خانه او اعزام کردند. در این هنگام شورشیان هجوم آورده و شروع به سنگ‌پرانی و تیراندازی کردند که در این درگیری، صورت حضرت

حسن مجتبی (رض) مجروح گردید و سر قنبر، غلام حضرت علی (کرم الله وجهه) شکسته شد و محمد بن طلحه جراحت برداشت. سرانجام شورشیان وارد خانه حضرت عثمان (رض) شدند و به او که در حال خواندن قرآن بود، هجوم آوردند. یکی از شورشیان، ضربتی بر سر حضرت عثمان (رض) فرود آورد و با شکستن سر او خونس بر روی آیه‌های قرآن جاری شد. حمله و تهاجم از سوی شورشیان ادامه یافت تا اینکه رهبر مسلمانان به شهادت رسید.

بدین گونه در روز جمعه هجدهم ماه ذی الحجه سال سی و پنج هجری حضرت عثمان (رض) شهید شد و پس از آن نزاع و کشمکش داخلی و قتل و برادرکشی در میان مسلمانان آغاز گردید. او یکصد و چهل و شش حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است.



در شیوه زندگی و ویژگی‌های اخلاقی حضرت عثمان (رض) تفکر کنید و بگویید چه درس‌هایی برای زندگی امروز خود می‌توانیم بگیریم.

#### ۴- حضرت علی (کرم الله وجهه)

حضرت علی بن ابی طالب پسرعمو و داماد پیامبر (ص) است. از القابش اسدالله و مرتضی و کنیه‌اش ابوالحسن و ابوتراب است. مادرش فاطمه دختر اسد از بنی هاشم است. به روایت ابن کثیر ده سال قبل از بعثت، در مکه معظمه چشم به جهان گشود و در کودکی تحت سرپرستی و تربیت پیامبر (ص) قرار گرفت. با شروع بعثت، در ده سالگی به پیامبر (ص) ایمان آورد. خودش می‌گوید: هنگامی که جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و پیام خداوند درباره رسالت را به ایشان ابلاغ کرد وی در کنار پیامبر (ص) حضور داشته است. او از همان جوانی تا پایان عمر در راه اعتلای اسلام تلاش کرد. در هنگام هجرت رسول الله (ص) در بستر پیامبر خوابید تا مشرکانی که خانه پیامبر را محاصره کرده بودند، از خروج پیامبر خدا (ص) آگاه نشوند و در صورتی که به خانه آن حضرت هجوم برند، به ایشان آسیبی نرسد. در جنگ بدر، شجاعت بی نظیری از خود نشان داد و بر ولید بن عتبیه که جنگاوری مشهور بود پیروز شد. در جنگ خندق که مشرکان، مدینه را به محاصره درآورده بودند، در نبرد با پهلوان کم نظیر عرب، عمرو بن عبدود را از پای درآورد و موجب رعب و وحشت دشمنان و بازگشت آنها به مکه شد. در جنگ خیبر،

فرماندهی سپاه مسلمانان را برعهده گرفت، قلعه خیبر را فتح کرد و یهودیان خیبر را شکست داد. در ۲۵ سالگی با حضرت فاطمه زهرا (س) دختر پیامبر (ص) ازدواج کرد. ثمره این ازدواج حضرت حسن (رض) و حضرت حسین (رض) و زینب و ام‌کلتوم بود.

پس از شهادت حضرت عثمان (رض)، مردم از مهاجر و انصار اجتماع نموده و به حضرت علی (کرم‌الله وجهه) پیشنهاد بیعت دادند. آن حضرت از پذیرش مقام خلافت سر باز زد. اما مسلمانان دست برنداشته و با اصرار و پافشاری با او بیعت کردند و در آن موقع، هیچ‌کس با خلافت او مخالفت نکرد. او در اولین خطبه خود بعد از رسیدن به خلافت، روش خود را معین کرد و دفاع از اموال عمومی و مساوات و برابری را شعار خود قرار داد. پس از آن، به تدریج فتنه‌ها شروع شد و دوران خلافتش با سرکوبی فتنه‌های داخلی سپری شد. او برای نجات اسلام از فتنه‌ها و نافرمانی‌ها مجاهده‌های زیادی کرد تا سرانجام به وسیله یکی از گروه‌های فتنه‌گر، یعنی خوارج، در شب جمعه، هفدهم ماه رمضان سال چهارم هجری در هنگام ادای نماز صبح و به دست ابن‌ملجم در مسجد کوفه، فرق سرش شکافته شد و در نوزدهم ماه رمضان به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup> وی در هنگام شهادت ۶۳ سال عمر داشت.

### برخی از خصائل حضرت علی (کرم‌الله وجهه)

- ۱- شجاعت حضرت علی بی‌نظیر بود و در بسیاری از غزوها سبب پیروزی اسلام گردید.
- ۲- حضرت علی در علوم و معارف الهی بی‌نظیر بود. رسول‌الله (ص) درباره وی فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا - من شهر علم هستم و علی دروازه آن است». کتاب نهج البلاغه که بخشی از خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات اوست، نشان‌دهنده علم وی در شناخت خداوند، جهان هستی، تفسیر قرآن، تاریخ، سیاست، قضاوت اسلامی و سایر معارف دینی است.
- ۳- در فصاحت و بلاغت بی‌نظیر بود به طوری که بزرگان شعر و ادب عرب در طول تاریخ اسلام تلاش می‌کردند خطبه‌های او را حفظ کنند و در گفته‌های خود استفاده نمایند. کتاب نهج البلاغه نشان‌دهنده این فصاحت و بلاغت است.
- ۴- از زهد و تقوای بسیار بالایی برخوردار بود و دنیاطلبی را به شدت مذمت می‌کرد و دوست می‌داشت که والیان و فرمانداران او نیز اهل زهد و تقوا باشند.
- ۵- در اجرای عدالت بسیار سخت‌گیر بود و در این مورد هرگز کوتاه نمی‌آمد. بسیاری از کسانی که بعدها علیه او فتنه و آشوب راه انداختند، از عدالت‌خواهی او ناراحت شده بودند. حتی برخی گفته‌اند

۱- بنا به روایت مورخان شیعه هنگام سحر روز نوزدهم رمضان مجروح و در روز بیست و یکم شهید شد.

او شهید عدالت‌پیشگی خود شد<sup>۱</sup>.

### برخی از اقدامات حضرت علی (کرم الله وجهه)

۱- مبارزه با فتنه‌ها و آشوب‌های داخلی و تحکیم ارکان حکومت اسلامی و خاموش کردن آشوبی که در پایان خلافت حضرت عثمان (رض) پیش آمده بود.

۲- جلوگیری از نفوذ گروه یا افراد خاص در بیت‌المال و حفظ اموال عمومی و تقسیم عادلانه آن میان مردم.

۳- مبارزه با اندیشه‌ها و گروه‌های افراطی مانند خوارج و آگاه نمودن مردم از خطرات آنها، تا اینکه بالاخره به وسیله همین گروه افراطی و کوتاه‌فکر به شهادت رسید.

۴- ایراد خطبه‌ها و نوشتن نامه‌هایی حاوی معارف اسلامی، شیوه حکومت‌داری و اخلاق والای انسانی که هم‌اکنون به‌عنوان گنجینه‌ای در اختیار بشریت است. عهدنامه او به مالک‌اشتر نخعی در هنگام تعیین وی به‌عنوان حاکم مصر، عالی‌ترین شیوه کشورداری را آموزش می‌دهد که هنوز نیز نظیر ندارد.

حضرت علی (کرم الله وجهه) پانصد و هشتاد و شش حدیث از پیامبر (ص) نقل کرده است.



در شیوه زندگی و ویژگی‌های اخلاقی حضرت علی (کرم الله وجهه) تفکر کنید و بگویید چه درس‌هایی برای زندگی امروز خود می‌توانیم بگیریم.

### ۵- حضرت حسن مجتبی (رضی الله عنه)

حضرت حسن (رض) فرزند ارشد حضرت علی (کرم الله وجهه) و حضرت فاطمه است. کنیه‌اش ابو محمد و لقبش مجتبی است. حضرت حسن (رض) در روز سه‌شنبه پانزدهم ماه مبارک رمضان سال سوم هجرت در مدینه منوره به دنیا آمد. حضرت حسن (رض) به پیامبر (ص) بسیار شبیه بود و پیامبر (ص) او را به حدی دوست می‌داشت که درباره او فرموده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ؛ پروردگارا من او را دوست دارم، تو هم او را دوست بدار».

۱- جرج جرداق مسیحی لبنانی؛ کتاب «الامام علی صوت العدالة الانسانية»

با شهادت حضرت علی (کرم الله وجهه) مردم با حضرت حسن (رض) بیعت کردند و وی به مقام خلافت برگزیده شد. در دوران خلافت او نزاع و آشوب میان مسلمانان گسترش یافته بود. عده‌ای به پشتیبانی از معاویه در شام و مردم کوفه و عراق به طرفداری از حضرت حسن (رض) برخاستند و در سال چهل و یکم هجری در محلی به نام انبار در نزدیکی‌های شط فرات در عراق در مقابل هم صف‌آرایی کردند و نزدیک بود آتش جنگ میان مسلمانان شعله‌ور شود. حضرت حسن به خاطر جلوگیری از جنگ و خونریزی با معاویه صلح کرد با این شرط که معاویه تا زنده است حاکم باشد ولی حق ندارد کسی را به‌عنوان جانشین منصوب کند. بعد از قرارداد آتش‌بس، حضرت حسن (رض) شهر کوفه را ترک نموده و به مدینه منوره برگشت و در آنجا اقامت گزید. حضرت حسن (رض) با توطئه بدخواهان و ستمگران به شهادت رسید. دوران خلافت ایشان حدود شش ماه بود.

با شهادت حضرت حسن (رض) حکومت و خلافت اسلامی که براساس انتخاب و بیعت مردم با یک مجتهد و فقیه عادل و با تقوا بود، پایان یافت؛ زیرا معاویه پسر خود یزید را که در اخلاق و رفتار نسبتی با اسلام نداشت به‌عنوان ولی‌عهد منصوب کرد و حکومت به ملوکیت و سلطنت تبدیل گردید و تفرقه میان مسلمانان شروع شد.



در سیره زندگی و اخلاق حضرت حسن (رض) تفکر کنید و درس‌هایی را که می‌توان برای زندگی در دنیای امروز گرفت، بیان نمایید.



- ۱- با دقت در سیره خلفای راشدین، ویژگی‌های مشترک این خلفا را یافته پیرامون هر ویژگی در حد دو سطر توضیح بنویسید.
- ۲- با دقت در سیره خلفای راشدین، نقش مردم در خلافت هریک از این خلفا را تحلیل نمایید.

### دنیای اسلام پس از خلفای راشدین

با تبدیل نظام خلافت و رهبری اسلامی به ملوکیت و سلطنت، وضع جدیدی در دنیای اسلام پدید آمد و زمینه تفرق و تضعیف جامعه اسلامی فراهم گردید. از طرف دیگر، وسعت زیاد سرزمین‌های اسلامی و پراکندگی جغرافیایی و قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون در حجاز، یمن، ایران، عراق، مصر، روم و بخش‌هایی از اروپا و هند و آفریقا و ظهور مسائل جدید سیاسی، اعتقادی و فقهی، نیز پاسخگویی به این قبیل مسائل را بیشتر و ضروری‌تر می‌کرد. وقتی که یزید، برخلاف عهدنامه معاویه با حضرت حسن (رض) به قدرت رسید، برخی از شخصیت‌های بزرگ مانند امام حسین (رض)، عبدالله پسر حضرت عمر (رض)، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمن پسر حضرت ابوبکر (رض)، شدیداً به مخالفت برخاستند؛ زیرا کسی به سلطنت رسیده بود که خود را خلیفه رسول خدا می‌نامید، اما آشکارا و علنی مرتکب گناہانی چون شرابخواری می‌شد.

قیام امام حسین (رض) منجر به شهادت او و یارانش و اسارت خانواده‌اش گردید. عبدالله بن زبیر نیز قیام کرد و مکه را به تصرف درآورد. اما بعدها در مقابل حجاج بن یوسف که از طرف عبدالملک بن مروان به مکه لشکرکشی کرده بود، شکست خورد و مکه به تصرف حجاج درآمد.

بعد از این حوادث، به تدریج حکومت و سلطنت امویان رو به سستی نهاد تا اینکه حکومت به بنی عباس رسید. آنان نیز همان روش حاکمان بنی امیه را ادامه دادند و همین امر، سبب شد تا بسیاری از فقیهان و دانشمندان با آنان مخالفت کنند.

امام ابوحنیفه، پیشوای مذهب حنفی، در اواخر حکومت اموی، از طرف والی عراق برای مقام عالی قضاوت دعوت شد؛ اما او قاطعانه این دعوت را رد کرد و به همین دلیل مورد آزار و اذیت قرار گرفت. در زمان منصور، حاکم عباسی نیز به وزارت دادگستری دعوت شد که آن را نپذیرفت و تا آخر عمر زندانی شد. امام مالک نیز به خاطر اعتراض به برخی حاکمان و والیان مدت‌ها در زندان به سر برد. امام احمد حنبل در زمان حاکمان عباسی شکنجه شد و به زندان افتاد. امام علی بن الحسین و فرزندان او نیز مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، برخی به زندان افتادند و برخی به شهادت رسیدند. البته در میان

این حاکمان، کسی مانند عمر بن عبدالعزیز نیز وجود داشت که عدالت‌گری پیشه کرد و به آبادانی کشور پرداخت و حقوق بیت‌المال را مراعات می‌کرد.

در این سال‌ها به تدریج گرایش‌های مختلف و دسته‌جات گوناگونی در جامعه به وجود آمد که به‌طور کلی از سه‌عنوان بیرون نبودند:

۱- فرقه‌ها و احزاب سیاسی که بیشتر برای رسیدن به قدرت و حکومت با یکدیگر و یا با حکومت درگیر بودند.

۲- فرقه‌ها و مذاهب کلامی که در مسائل اعتقادی و فکری با یکدیگر اختلاف داشتند و برای حل مسائل اعتقادی نظرات خاصی ارائه می‌کردند.

۳- مذاهب فقهی که هر کدام برای به‌دست‌آوردن احکام شرعی روش‌های خاصی داشتند و بیرون خود را به آن دعوت می‌کردند.



\* درباره حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس تحقیق کنید و نشان دهید که روش آنان در حکومت‌داری و زندگی، چه شباهت‌ها یا تفاوت‌هایی با خلفای راشدین داشته است.

از آنجا که آشنایی با مذاهب فقهی ضرورت بیشتری دارد، در اینجا به‌طور مختصر، به شرح آنها می‌پردازیم.

## فقه‌های نخستین

فقیهان کسانی هستند که احکام دینی را با مراجعه به قرآن کریم و سنت نبوی و سایر منابع به‌دست می‌آورند و برای مردم بیان می‌کنند. فقه‌های نخستین، آن دسته از فقیهانی هستند که در قرن اول هجری زندگی می‌کردند. با توجه به اینکه این دوره، فاصله زیادی تا زمان پیامبر (ص) نداشت و احتیاجات مسلمانان در احکام زیاد و متنوع نشده بود، این فقیهان برای به‌دست‌آوردن احکام غالباً فقط به قرآن و احادیث نبوی مراجعه می‌کردند و کمتر به اجتهاد عقلی می‌پرداختند. مشهورترین آنان عبدالله بن مسعود متوفی به سال ۹۴ یا ۹۹ هجری، سعد بن مسیب متوفی به سال ۹۳ هجری، عرو بن زبیر متوفی به سال ۱۰۶ هجری و قاسم بن محمد بن ابی‌بکر هستند. آنان به‌طور شفاهی مسائل را برای مردم توضیح می‌دادند



و از خود نظر خاصی عنوان نمی‌کردند.

## فقه‌های طبقه دوم

در اوایل قرن دوم هجری، تحولات زیادی در علوم اسلامی پدید آمد. این تحول ناشی از ابتلائات و احتیاجات تازه‌ای بود که در زمان ظهور یافته بود و تحقیقات و پاسخ‌های جدیدی را طلب می‌کرد. در این دوره، علوم اسلامی به معنای واقعی آن شکل گرفت؛ یعنی رشته‌های مختلف علمی، مانند تفسیر، فقه، کلام، اصول و فلسفه تأسیس شد و هر دانشمندی در یک یا چند رشته علمی تخصص داشت. فقیهان، علاوه بر تحقیق در قرآن و حدیث به تحقیقات دیگری نیز دست زدند و از رأی و اجتهاد و قیاس خود سود جستند تا پاسخگوی نیازهای جدید باشند. آنان قواعدی برای تحقیقات فقهی خود وضع کردند که به تدریج کامل شد و «علم اصول فقه» نام گرفت.

فقه‌های طبقه دوم در بلاد مختلف اسلامی پیروانی داشتند که رفته رفته از حدود نیمه دوم قرن دوم هجری به دو مکتب بزرگ فقهی تقسیم شدند<sup>۱</sup>:

- ۱- مکتب رأی و قیاس به مرکزیت عراق؛ در این مکتب، علاوه بر قرآن و سنت پیامبر (ص)، به رأی و اجتهاد فقیه اهمیت فراوانی داده می‌شد. نماینده مکتب اهل قیاس و رأی امام ابوحنیفه (رض) بود.
- ۲- مکتب اهل حدیث به مرکزیت حجاز؛ در این مکتب تأکید زیادی بر ظاهر قرآن و حدیث می‌شد و توجه کمتری به رأی و اجتهاد می‌گردید. امام مالک بن انس (رض) از جمله نمایندگان اهل حدیث به‌شمار می‌رود.

ما در این بخش به معرفی دو امام از ائمه چهارگانه مشهور اهل سنت که پیروان فراوانی در ایران دارند می‌پردازیم.

## امام ابوحنیفه (رض)

نعمان بن ثابت (ابوحنیفه) در سال ۸۰ هجری در کوفه به دنیا آمد و در سال ۱۵۰ هجری، در هفتادسالگی در بغداد درگذشت. از اساتید مشهور او حماد بن ابی سلیمان متوفی به سال ۱۲۰ هجری است که ۱۸ سال از او فقه و حدیث آموخت. امام ابوحنیفه تا ۴۰ سالگی در بصره در علم کلام<sup>۲</sup> تحقیق

۱- مکتب فقهی دیگری به نام مکتب فقهی جعفری در مدینه توسط امام جعفر صادق (رض) توسعه و گسترش یافت که مربوط به برادران شیعه است که در جای خود از آن بحث شده است.

۲- علم کلام، علمی است که درباره مسائل اعتقادی مانند توحید، معاد و نبوت بحث می‌کند.

و تحصیل می‌کرد به‌گونه‌ای که جزو افراد برجسته و مشهور در آن علم بوده است. او ابتدا علم کلام را بهترین مایه علم می‌دانست، سپس آن را ترک کرده و به فقه پرداخت.

او علاوه بر قرآن و احادیث معتبر و موثق، بر اثر نیازهای جدید جامعه، به قیاس که یک روش عقلانی است و منافاتی با دین ندارد، روی آورد. قیاس در فقه، یعنی مقایسه نمودن مسائلی که از نظر حکم و علت مجهول باشد با مسئله‌ای که از نظر حکم و علت معلوم است؛ مثلاً حکم نوشیدن شراب (انگور) به علت مست‌کنندگی معلوم است و صراحتاً در قرآن حرام شده است. اما در مورد آب‌جو و امثال آن در قرآن نامی برده نشده است. مجتهد آب‌جو را با شراب مقایسه می‌کند و حکم حرام بودن شراب را به آب‌جو سرایت می‌دهد؛ زیرا آب‌جو نیز مانند شراب حالت مست‌کنندگی دارد.

ابوحنیفه (رض) از قلبی صابر و فکری عمیق بهره‌ای وافر داشت. در جواب به مسائل شرعی بی‌باک بود و صریح و روشن پاسخ می‌داد. در بحث و مناظره چیره‌دست و فقیهی منطقی و کلامی بود.

او شاگردان زیادی تربیت کرد که معروف‌ترین آنها عبارت‌اند از: ابویوسف یعقوب‌بن‌ابراهیم، محمدبن‌شیبانی و زفر بن‌هزیل تمیمی.

مذهب حنفی دو قرن پس از وفات امام ابوحنیفه رسمیت یافت و در اواخر قرن چهارم و پنجم هجری و پس از آن با حمایت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان و عثمانی ترویج و تقویت شد.



\* دربارهٔ روزه در مذهب فقهی امام ابوحنیفه تحقیق کنید و واجبات و محرمات روزه را بنا بر این مذهب ذکر نمایید.

## امام محمد بن ادریس شافعی

امام شافعی در عسقلان فلسطین در سال ۱۵۰ هجری به دنیا آمد. در کودکی پدرش را از دست داد و دو ساله بود که مادرش او را به مکه برد و ده سال در میان قبیلهٔ هُرَلی فصاحت عربی و دیگر فنون زبان را آموخت.

در هفت‌سالگی قرآن را حفظ کرد و مقدمات علوم را نزد مسلم بن خالد مفتی مکه آموخت. در

سیزده سالگی فقه را در مدینه نزد امام مالک بن انس آغاز کرد و کتاب «الموطأ» او را که در زمینه حدیث است، حفظ نمود. در ۲۵ سالگی در علم فقه و حدیث به درجه اجتهاد رسید.

او پس از فوت امام مالک، به سیر در آفاق و انفس پرداخت و از آرا و نظریات اصحاب رأی و حدیث آگاه گشت. در عراق، آرای مکتب حنفی را نزد محمد بن حسن شیبانی آموخت. در سال ۲۰۰ هجری به مصر رفت و چهار سال آخر عمر را در آنجا گذراند و در همانجا وفات یافت.

امام شافعی (رض) فصیح و شیرین سخن می گفت و به انواع استدلال ظاهری توانا بود. بسیار مورد وثوق و امانت دار و عادل و پارسا بود. از عفت نفس و حسن سیرت بهره عالی داشت. فقه شافعی قدر مشترک بین اصحاب حدیث و اصحاب رأی بود و میان آن دو را جمع می کرد. پس روش او تلفیقی بود از فقه حجاز و فقه عراق. به همین جهت اصول فقه امام شافعی قرآن، سنت، اجماع و قیاس است.

فقه‌های قبل از شافعی در اصول فقه بحث می کردند، ولی قانون کلی و منظمی نداشتند. اما او اصول فقه را تدوین و تنظیم نمود. از این رو، گفته اند نسبت شافعی به اصول فقه مانند نسبت ارسطو به منطق است.

او تألیفات زیادی دارد. ابن ندیم حدود ۱۱۰ جلد کتاب و رساله به او نسبت می دهد. برخی از کتاب‌های او مانند «المبسوط فی الفقه»، «کتاب الامامه»، «کتاب الرساله»، «احکام القرآن»، «السنن» و «کتاب الأئم» از جمله آثار اوست. «کتاب الأئم» در هشت جلد می باشد و درباره فقه است و دایرة المعارف فقهی محسوب می شود.

یکی از عوامل گسترش مذهب فقهی امام شافعی، شاگردان او بوده اند، بیشترین گسترش و اسمیت آن در قرن‌های چهارم و پنجم هجری صورت گرفت. بیشتر شافعی مذهببان در عراق، مصر، سوریه، عربستان، شهرهای غربی ایران و شمال آفریقا هستند.

از جمله شاگردان برجسته امام شافعی، امام احمد حنبل است که بعدها خود روش فقهی مستقلی وضع کرد که مذهب حنبلی نام گرفت.



\* درباره روزه در مذهب فقهی شافعی تحقیق کنید و واجبات و محرمات آن را بنابر این مذهب ذکر نمایید.

به‌طور خلاصه، در میان اهل سنت چهار مذهب فقهی شکل گرفت که عبارت‌اند از:

۱- مذهب حنفی؛

۲- مذهب مالکی؛

۳- مذهب شافعی؛

۴- مذهب حنبلی.

فقهای که پس از این بزرگان آمدند، به شکلی تابع یکی از این چهار مذهب فقهی بودند و در همین چارچوب به اجتهاد می‌پرداختند و اکنون نیز فقیهان اهل سنت تابع یکی از همین چهار مذهب هستند.

## امت واحده

### قرائت و ترجمه

همانا این امت شما امتی واحد است

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً  
وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ

مؤمنون، ۵۲

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا  
وَ لَا تَفَرَّقُوا

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً

فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ

فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.

آن‌گاه که با یکدیگر دشمن بودید

پس میان دل‌های شما پیوند داد

تا به لطف او برادرانِ هم شدید

آل عمران، ۱۰۳

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ

وَ لَا تَنَازَعُوا

فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ

وَ اصْبِرُوا

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

با یکدیگر ستیزه و کشمکش نکنید

که سست شوید و نیروتان برود

در قرآن کریم برای نام بردن از مسلمانان از نام‌های مختلفی مانند: مؤمنون، مسلمون و اهل ایمان استفاده شده است، ولی در کنار این کلمات برای نام بردن از جماعت اسلامی و پیروان ادیان دیگر کلمه‌ای به کار رفته که بیش از هر چیز مفهوم و ملاک وحدت را دربردارد. کلمه امت شصت و چهار بار در قرآن تکرار شده است. قرآن، پیروان هر یک از ادیان را یک امت می‌داند و می‌فرماید:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا  
ما در هر امتی پیامبری مبعوث کردیم  
و یا می‌فرماید:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا  
و این چنین شما را امت میانه قرار دادیم

بقره، ۱۴۳

از این آیات و آیه‌های فراوان دیگری که در قرآن آمده و در آنها کلمه امت به کار رفته است چنین به دست می‌آید که نه تنها مسلمانان بلکه پیروان هر یک از ادیان، خود یک گروه واحد به نام امت هستند و امت اسلام امتی است واحد و یگانه که بر مبنای پرستش خداوند پایه‌ریزی شده است. کلمه امت کلمه‌ای پر معناست. این کلمه در لغت، به معنای اقتدا و پیروی و قصد و رهبری آمده است و در قرآن به معنای جماعت پیرو یک دین و آیین و طریق و مسلک دینی به کار رفته است. در کلمه امت معنای وحدت مقصد و عقیده و وحدت پیشوا و جهت نهفته است.

## اهداف امت اسلامی

الف) فلاح و رستگاری: قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» در راه خدا کوشش کنید باشد که به فلاح و رستگاری برسید. به دنبال بسیاری از فرمان‌های الهی کسب فلاح و رستگاری به عنوان هدف انجام این اعمال آمده است.

ب) ترویج خیر و معروف در جهان و نابودی شر و منکر: آیات فراوانی از قرآن بیان‌کننده این هدف است، از جمله در سوره آل عمران می‌فرماید: شما بهترین امت در میان انسان‌ها هستید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید.

ج) استقرار دین خدا در جهان: در آیه ۳۳ سوره توبه آمده است: «خداست که رسول خود را با دین حق و هدایت فرستاد تا او را بر همه ادیان عالم برتری دهد». برتری دادن دین خدا بر همه ادیان، یکی از مهم‌ترین اهداف مسلمانان است.

د) استقرار حاکمیت بندگان صالح خدا در زمین : خداوند در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء می‌فرماید :  
 «أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» زمین سرانجام به بندگان صالح خدا خواهد رسید.  
 ه) نجات مستضعفان و محرومان : «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ  
 وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» و ما اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت گذاریم و آنان را  
 پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

با افزایش آگاهی مسلمانان و بروز حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام طی سال‌های اخیر و  
 خطرات بزرگی که جهان اسلام را تهدید می‌کند، تمایل به وحدت اسلامی روزه‌روز بیشتر می‌گردد و  
 متفکران برجسته مسلمان پیوسته از لزوم وحدت و همبستگی میان مسلمانان سخن می‌گویند و خطرات  
 تفرقه را گوشزد می‌نمایند. در این باره سه نکته برای همه مسلمانان کاملاً روشن است : اول آنکه وحدت  
 از ارکان اسلام است؛ دوم آنکه مجد و عظمت مسلمانان با وحدت به‌دست می‌آید و سومین نکته آن است  
 که وحدت، قرن‌هاست در میان مسلمانان از بین رفته یا تضعیف شده است. اکنون بیشتر گفت‌وگوها و  
 بحث‌ها در زمینه آن است که وحدت چیست و چگونه می‌توان آن را ایجاد کرد؟

## وحدت امت اسلامی

درباره معنای وحدت اسلامی نظریه‌های مختلفی وجود دارد، در مجموع آنچه می‌توان از همه آنها  
 برداشت کرد آن است که منظور علمای روشنفکر از وحدت آن نیست که از میان مذاهب اسلامی یکی  
 انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شوند یا آنکه مذاهب مختلف با یکدیگر ترکیب شوند و مذهب  
 جدیدی ساخته و پرداخته گردد؛ بلکه منظور، اتحاد مسلمانان پیرو مذاهب مختلف – در عین اختلافات  
 مذهبی آنان – در برابر بیگانگان و دشمنان مشترک آنهاست. با این اتحاد، هم زمینه تعالی و ترقی امت  
 اسلامی فراهم می‌شود و هم امت اسلامی را در برابر دشمنان حفظ می‌کند.

### تفکر در آیات



در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌های این آیات را درباره وحدت امت اسلامی  
 استخراج نمایید.

## وحدت در سنت حضرت رسول (ص)

زندگانی و رفتار حضرت رسول (ص) سراسر سرمشق وحدت است. آن حضرت پس از هجرت به مدینه با بستن پیمان برادری (مؤاخات) میان مسلمانان مدینه که از قبیله‌های مختلف بودند و سال‌ها با همدیگر درگیری و اختلاف داشتند اتحاد و یگانگی را میان آنان برقرار ساخت. ایشان تنها تقوا و ارزش‌های انسانی را معیار برتری و فضیلت می‌دانست. او همواره با برتری طلبی‌های قومی و نژادی و قبیله‌ای به مبارزه برمی‌خاست و می‌فرمود: «لَا فَخْرَ لِعَرَبٍ عَلَى عَجَمٍ وَلَا لِأَبْيَضٍ عَلَى الْأَسْوَدِ»؛ عرب هیچ برتری بر عجم و سفید هیچ برتری بر سیاه ندارد. و در حدیثی از ایشان نقل شده که فرمود: مؤمن برای مؤمن مانند بنایی است که هر قسمت آن، قسمت دیگر را محکم می‌کند و آن‌گاه انگشتان دست‌ها را در میان هم نمود<sup>۱</sup>. مسلمانان با استفاده از اتحاد و ایمان توانستند در مدتی بسیار کوتاه امپراتوری عظیم ایران و روم و بخش‌های وسیعی از آفریقا، آسیا و حتی اروپا را به اسلام دعوت کنند و تسخیر نمایند و تمدن بزرگی را بنیان نهادند. این تمدن قرن‌ها برقرار و استوار بود. اما اکنون تفرقه و جدایی و عوامل دیگری که بر سر مسلمانان آمده، قرن‌هاست مسلمانان را تضعیف کرده و آنها را در معرض هجوم بیگانگان قرار داده است. برای آنکه وظیفه خود را در این زمینه بهتر درک کنیم، نخست باید بدانیم چه عواملی موجب تقویت وحدت و یگانگی مسلمانان می‌شود تا آنها را تقویت کنیم و چه عواملی بیوند و همبستگی مسلمانان را از میان می‌برد تا با آنها به مبارزه برخیزیم.

## عوامل وحدت اسلامی

۱- وحدت عقیده: دانشمندان اسلامی اعتقاد به سه اصل توحید، نبوت و معاد را پایه و اساس مسلمان بودن یک فرد دانسته‌اند. این سه اصل، نزد همه مذاهب اسلامی مشترک است و اساس اتحاد و همبستگی مذاهب اسلامی را تشکیل می‌دهد این سه اصل که در قرآن کریم و سنت و سیره حضرت رسول (ص) نمودار می‌شود، از مسلمانان، یک گروه و جماعت واحد ساخته است.

۲- وحدت در فروع دین: در مجموع مسلمانان در انجام اعمال و فرایض دینی یکسان‌اند. همه مسلمانان عبادت‌ها و اعمال ضروری دین را می‌پذیرند و انجام می‌دهند. ضروریات دین عبارت‌اند از: نماز، روزه، زکات، حج و جهاد. هیچ یک از مذاهب اسلامی نیست که منکر وجوب یکی از این اعمال باشد. انجام این دستورات دینی توسط همه مسلمانان یکی از جلوه‌های وحدت میان آنان است. در احادیث، این اعمال از پایه‌های اسلام به شمار آمده است و همه بدان پایبند هستند.

۱- صحیح بخاری، کتاب الأدب، باب فضل تعاون.



اختلاف نظرها در شرایط و آداب این اعمال که در مذاهب اسلامی مورد بحث و گفت و گو است و با نظر مجتهدان تعیین می‌گردد، باعث نشده و نمی‌شود که هیچ یک از این مذاهب دیگری را از اسلام خارج بدانند.

۳- **وحدت در هدایت و رهبری:** آنچه مسلمانان را برای عبادت و انجام دستورات خداوند راهنمایی می‌کند، قرآن و سنت است؛ یعنی فرمان خدا و رسول خدا (ص). در میان مسلمانان کسی وجود ندارد که یکی از این دو را انکار کند. همه مسلمانان، رهبری شخص رسول اکرم (ص) برای جامعه اسلامی را پذیرفته‌اند و پس از ایشان نیز به وجود امام و حاکم برای جامعه اسلامی معتقد می‌باشند تا قوانین اسلامی را اجرا نمایند. در این باره در جای خود توضیح بیشتری آمده است.

۴- **وحدت هدف و آرمان مشترک:** اسلام علاوه بر اصول اعتقادی و عملی، دارای هدفهایی است که به صراحت در قرآن و سنت آمده است. داشتن این اهداف مشترک در میان همه مذاهب مسلمان، آنها را به یکدیگر مربوط می‌کند و از آنها یک گروه واحد می‌سازد.

۵- **وحدت در فرهنگ و تمدن:** اسلام تنها یک دین نیست؛ بلکه مبنای تمدن پهناوری است که در همه جای دنیا از حجاز تا قلب آفریقا و جنوب هند و چین و شرق دور و جنوب اروپا و بالکان و سیبری گسترش یافته و روز به روز در همه جا در حال پیشروی است.

فرهنگ و تمدن اسلامی، آداب، افکار و روح واحدی است که مسلمانان را جدای از اینکه از چه فرقه یا نژاد یا مذهبی باشند به یکدیگر پیوند می‌دهد. در این تمدن، علمی مانند ریاضیات، طب، حقوق، شیمی و ... رشد یافته است. مسلمانان همه دنیا دارای اخلاق و روحیه‌ها و صفات ویژه‌ای هستند که آنها را از دیگران جدا می‌سازد. روحیه صداقت، همکاری و تعاون، پاکدامنی و عفت، غیرت و سایر صفات اخلاقی که برخاسته از تعالیم قرآن و حضرت رسول (ص) است، کم‌وبیش در میان همه جماعت‌های اسلامی دیده می‌شود.



\* شیوه زندگی مسلمانان و عناصر فرهنگ و تمدن آنها مانند هنر، معماری و پوشش را مورد مطالعه قرار دهید و نمونه‌های دیگری از عوامل وحدت را ذکر کنید.

عوامل وحدت و نحوه زندگی و رفتار، از مسلمانان جماعتی می‌سازد که قدرتمندی و حیات آن، امروز بیش از هر چیز برای آنان ضروری است. اگر مسلمانان در برخورد با یکدیگر کشمکش‌های فرقه‌ای و مذهبی و قومی خود را رها کنند و پیوند و همبستگی میان خود را حفظ کنند می‌توانند تمدن از دست رفته خود را دوباره احیا کنند و در مقابل هجوم گسترده و بی‌امان غرب که خواستار نابودی همه چیز ماست ایستادگی نمایند.

تقویت عوامل وحدت و پرهیز از کارهای تفرقه‌ساز، امروزه به یک وظیفه دینی برای هر مسلمان تبدیل شده است که شناخت و درک این عوامل را برای هر کس ضروری می‌سازد.

## زمینه‌های جدایی

یکی از زمینه‌های مهم برای رشد تفرقه مسلمانان، تفاوت‌های مذهبی و قومی و فرقه‌ای است. این تفاوت‌ها در طول سالیان دراز مسلمانان را به گروه‌های مختلف تقسیم کرده است. پیروان این گروه‌ها همه مسلمان‌اند و اگر خود نیز در میان خود نسبت به مسلمان بودن دیگری تردید داشته باشند، اما دشمنان همه آنها را مسلمان می‌دانند و با همه مبارزه می‌کنند. در ارتباط هر مسلمان با دیگری، مهم نیست که او در عقیده یا مذهب خود پیرو کدام گروه است. آنچه مهم است آن است که هر یک از گروه‌ها و فرقه‌ها و مذاهب نباید دیگری را کافر و خارج از دین بدانند. مسلمان کسی است که به سه اصل توحید، نبوت و معاد عقیده داشته باشد و ضروریات دین را انکار نکند و به آنها عمل نماید. این مطلب در بیانات حضرت رسول(ص) انعکاس یافته است. ایشان می‌فرمایند: «مَنْ شَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَقْبَلَ قِبَلَتِنَا وَ صَلَّى صَلَاتِنَا وَ أَكَلَ ذَبِيحَتِنَا فَذَاكَ الْمُسْلِمُ لَهُ مَا لِلْمُسْلِمِ وَ عَلَيْهِ مَا عَلَى الْمُسْلِمِ»؛ یعنی هر کس شهادت دهد که خدا یکی است و به طرف قبله ما رو کند و نماز ما را به جا آورد و از گوشت ذبح شده ما بخورد او مسلمان است؛ برای او است آنچه برای مسلمان است؛ و علیه اوست آنچه علیه مسلمان است.

رؤسای مذاهب نیز در کنار اختلاف‌های فقهی و عقیدتی که با دیگران داشتند، گروه‌های دیگر را کافر نمی‌شمردند. امام اعظم ابوحنیفه می‌فرمود: «لَا نُكْفِرُ أَحَدًا مِنْ أَهْلِ الْقِبْلَةِ»؛ یعنی ما هیچ‌یک از اهل قبله را کافر نمی‌دانیم.

## جهل

جهل و نادانی یکی از ریشه‌های اختلاف مسلمانان است. جهل مسلمانان نسبت به موقعیت خود

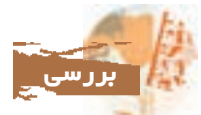
و جهل نسبت به اعتقادات یکدیگر موجب پندارهای نادرست و دشمنی و تهمت به یکدیگر می‌گردد. برای پرهیز از این موضوع باید به نکاتی توجه کنیم، از جمله آنکه: برای به‌دست آوردن نظرات پیروان هر مذهب باید به کتاب‌های معتبر و علمای آنها مراجعه کرد و نباید شایعه‌ها، سخنان مردم یا نحوه رفتار پیروان هر مذهب را معیار قرار داد. حتی برای به‌دست آوردن نظرات هر مذهب یا گروه اسلامی نمی‌توان به نظر یک یا چند نفر از عالمان آنها اکتفا کرد. چه بسا نظر یک عالم مذهبی یا نویسنده در میان پیروان آن مذهب، طرفدارانی اندک داشته باشد. در چنین مواردی باید نظر اکثریت و اجماع دانشمندان را به دست آورد که این کار نیازمند تحقیق وسیع‌تری است.

همچنین نمی‌توان رفتار پیروان یک گروه را دلیل بر قبول یا رد آنان دانست. چه بسیارند کسانی که رفتاری برخلاف گفته پیشوایان خود داشته باشند و رفتار تفرقه‌انگیز انجام دهند.

## لقب‌ها و صفات ناپسند

از جمله رفتار غلطی که در گذشته وجود داشت نام‌گذاری‌ها و نسبت دادن لقب‌ها و صفات ناپسند به دیگری است. این کار در افروختن آتش دشمنی و کینه و نفرت میان مسلمانان تأثیر زیادی داشته و دارد. برای نمونه، در گذشته گروهی بوده‌اند که به حضرت علی(ع) توهین می‌کرده‌اند و به آنها نواصب (جمع ناصبی) می‌گفتند؛ در مقابل، گروهی دیگر ایشان را در حدّ حضرت رسول یا خدا بالا می‌بردند. این گروه را غلاة (جمع غالی) می‌خواندند. از آن پس کلمه ناصبی یا غالی بدون توجه به معنای آن در میان شیعه و سنی و در کتاب‌ها نسبت به یکدیگر تکرار شده است. باید دانست همان‌طور که عقیده نواصب ربطی به اهل سنت ندارد عقیده غلاة هم ربطی به شیعیان ندارد. امروز باید از نسبت‌دادن این صفات و نام‌ها به یکدیگر خودداری کرد و از هر گروه با همان نامی که مورد علاقه آنهاست نام برد و به بزرگان هر مذهبی احترام گذاشت.

ردوبدل کردن لقب‌های ناپسند، تحقیر کردن، مسخره کردن، توهین به دیگری راهی است که پایان آن جز انحطاط و بدبختی مسلمانان نخواهد بود و هیچ چیزی را تغییر نخواهد داد.



\* درباره شیوه عمل کشورهای استکباری مانند آمریکا و رژیم صهیونیستی مطالعه و تحقیق کنید و سپس توضیح دهید که آنها برای تضعیف امت اسلامی و تفرقه میان آنان

چه برنامه‌هایی را دنبال می‌کنند.



با دقت و توجه در مفاهیم «امت اسلامی» و «وحدت»، تأثیر وحدت در دستیابی به اهداف امت اسلامی را بنویسید.



طرحی هنری (شعر، داستان، نقاشی) را برای وحدت امت اسلامی تهیه کرده و در کلاس از آن استفاده نمایید.

## احکام اسلامی

قرائت و ترجمه

.....  
.....  
چیزهای پاکیزه را که خدا حلال کرده  
و از حد مگذرید  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....  
.....

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا  
لَا تُحَرِّمُوا  
طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ  
وَلَا تَعْتَدُوا  
إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ  
وَ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ  
حَلَالًا طَيِّبًا  
وَاتَّقُوا اللَّهَ  
الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ

مائده، ۸۷ و ۸۸

.....  
.....  
آنچه را پیامبر به شما داد بپذیرید  
و از آنچه شما را باز داشت، دوری کنید  
.....  
.....

... مَا ءَاتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ  
وَمَا نَهَاكُمُ عَنْهُ فَانْتَهُوا  
وَاتَّقُوا اللَّهَ  
إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

حشر، ۷

## اجتهاد و تقلید

دین اسلام برنامه زندگی انسان در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی است و کسانی که از این برنامه پیروی کنند، هم در زندگی شخصی به سعادت می‌رسند و هم در زندگی خانوادگی و هم اجتماعی سعادت‌مند را پدید می‌آورند. این سعادت هم شامل حیات طیبه دنیا می‌شود و هم شادکامی جاوید آخرت را در پی دارد.

همان‌طور که در سال‌های قبل گفته شد، این برنامه شامل چهار بخش یا چهار زیر مجموعه است:

- ۱- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با خدا؛ مانند نماز.
  - ۲- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با خود؛ مانند نظافت و ورزش.
  - ۳- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با جامعه؛ مانند انفاق و امر به معروف و نهی از منکر.
  - ۴- برنامه‌های مربوط به رابطه انسان با طبیعت و نظام خلقت؛ مانند حفظ محیط زیست.
- این برنامه‌ها که همان احکام اسلامی هستند باید از منبع اصیل اسلامی، یعنی کتاب خدا و سنت و سیره پیامبر اعظم (ص) به دست آیند. از این رو، نیازمند اجتهاد و تحقیق علمی فراوان در کتاب و سنت و آشنایی عمیق با بسیاری از علوم، مانند تفسیر، لغت و اصول می‌باشد.
- «اجتهاد» در لغت به معنای جدیت و تلاش است، اما در اصطلاح شرعی عبارت است از تلاش برای به دست آوردن و استنباط احکام از روی ادله، مانند قرآن و سنت، و کسی که دارای چنین توانایی است، «مجتهد» نامیده می‌شود.

علما و دانشمندان اسلام گفته‌اند: شخص مجتهد باید بر پنج موضوع آگاهی داشته باشد:

- ۱- علم به کتاب الله (قرآن)؛
  - ۲- علم به احادیث و سنت نبوی (ص)؛
  - ۳- آگاهی بر اقوال علمای گذشته اعم از اجماع (توافق) علما و اختلاف نظرشان؛
  - ۴- آگاهی بر علم لغت؛
  - ۵- آگاهی بر قیاس و شرایط آن.
- کسانی که خود متخصص در این علوم نیستند و توانایی اجتهاد ندارند، برای به دست آوردن احکام دینی خود به این مجتهدان مراجعه می‌کنند. این کار را «تقلید» می‌گویند و چنین شخصی را «مقلد» می‌نامند.

باید دانست که تقلید در اصول دین، یعنی توحید و نبوت و معاد، جایز نیست هر کس باید با فکر

و نظر خود یکتایی خداوند را بپذیرد و به نبوت اعتقاد داشته باشد و بداند که خداوند در آخرت به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌کند و پاداش و جزا می‌دهد.

اما تقلید در احکام فروع دین، جایز است؛ زیرا هر کسی توانایی این را ندارد که بخش مهمی از زندگی خود را صرف تحقیق و تعلیم کند و به درجهٔ اجتهاد برسد تا بتواند احکام دینی را به دست آورد. روشن است که این تقلید، با تقلید کورکورانه و بدون مبنای عقلانی، فرق دارد. اسلام، هر نوع عقیده و برنامه‌ای را که بدون دلیل و برهان و تنها بر اساس تقلید کورکورانه پایه‌ریزی شده باشد، مردود می‌شمارد. قرآن کریم در آیات متعددی همگان را دعوت به تفکر و تعقل و تدبیر می‌نماید و از تقلید ناآگاهانه منع می‌کند؛ از جمله این که می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ  
إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ  
كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

از آن چیزی که علم نداری دنباله‌روی مکن  
.....  
.....

اسراء، ۳۶

پیروی و تبعیت شخص غیر مجتهد از یک مجتهد و متخصص در احکام دینی یک روش عقلانی است، همان‌طور که مراجعهٔ یک بیمار که خود در طبابت تخصصی ندارد، به یک پزشک کاری عقلانی محسوب می‌شود.

## منابع اجتهاد

فقیهان و مجتهدان در مسیر تفقه و اجتهاد خود و برای به‌دست آوردن احکام الهی از چهار منبع استفاده می‌کنند:

الف) قرآن کریم: کتاب آسمانی ما منبع اصلی دریافت احکام اسلامی است. فقیهان، با مطالعه و تفکر در قرآن کریم، احکام و قوانین و مقررات اسلامی را به‌صورت کلی یا جزئی به‌دست می‌آورند و در اختیار مردم قرار می‌دهند. هیچ‌کس نمی‌تواند قوانینی وضع کند که مخالف با قرآن کریم باشد.

ب) سنت پیامبر اکرم (ص): سنت پیامبر عبارت است از قول و فعل آن حضرت. سخنانی که از آن حضرت در کتاب‌های روایی نقل شده و یا افعال و کارهایی که ایشان انجام داده است، دومین منبع

اجتهاد است. البته از آنجا که ممکن است در نقل قول و فعل پیامبر (ص) اشتباهات یا غرض‌ورزی‌هایی صورت گرفته باشد، فقیهان تلاش می‌کنند احادیث موثق را از غیر موثق جدا کنند و به احادیث موثق و قابل اعتماد مراجعه کنند.

ج) اجماع: در اصطلاح علمای اصول، اجماع عبارت است از اتفاق و هماهنگی قولی یا فعلی و یا تقریری مجتهدان پیرامون مسئله‌ای که به حکم آن در قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) اشاره نشده باشد. مجتهدان همان کسانی هستند که قادر به استنباط می‌باشند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالِ؛ امت من بر گمراهی اتفاق نظر پیدا نمی‌کنند» این حدیث صریحاً دالّ بر عصمت امت است. رسیدن به اجماع در مسائل مهم کشور اسلامی حائز اهمیت فراوان است. اجماع سبب می‌شود:

۱- تفرقه و دو دستگی در میان امت از بین برود؛

۲- باب اجتهاد باز بماند و انتخاب بهترین رأی ممکن گردد؛

۳- راه هرگونه استبداد و دیکتاتوری و سوءاستفاده از قدرت از بین برود.

د) عقل و قیاس: اگر فقیهان نتوانند حکم مسئله‌ای را از قرآن و سنت به‌دست بیاورند، تلاش می‌کنند که با عقل و با استفاده از قیاس که یک روش عقلانی استدلال است، حکم آن مسئله را به‌دست آورند. بدین صورت که این مسئله را با مسئله آمده، مقایسه می‌کنند و حکم آن را به‌دست می‌آورند.

## مکلف و احکام تکلیفی

مکلف کسی است که بالغ، عاقل، قادر و مختار باشد. چنین کسی موظف است که تکالیف دینی خود را انجام دهد. بنابراین، کودک، دیوانه و افراد مجبور به اعمال غیرحق و افراد ناتوان از قید تکلیف آزادند. احکام تکلیفی پنج نوع است: واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح. واجب: حکمی است که انجام دادن آن لازم است و دارای ثواب می‌باشد و ترک آن عقاب دارد؛ مانند: وجوب نمازهای پنج‌گانه و روزه ماه رمضان.

مستحب: حکمی است که انجام دادن آن حتماً لازم نیست اما کاری ست پسندیده و موجب خشنودی خدا و رسول، و دارای اجر و پاداش اخروی است و در ترک آن مجازات و کیفری نیست؛ مانند: روزه عرفه عید قربان و دست‌گیری از فقرا و مستمندان.

حرام: کاری است که باید آن را ترک کرد و انجام دادن آن عقاب دارد؛ مانند: رباخواری،



دزدی، قمار و دروغ.

**مکروه:** حکمی است که انجام آن عقاب ندارد؛ اما انجام ندادن آن بهتر است؛ مانند: نماز خواندن در حمام، خوردن و آشامیدن در حال راه رفتن.

**مباح:** حکمی است که انجام دادن و ندادن آن مساوی است؛ مانند: ایستادن و نشستن. عبادات که قسم اول آن از فروع دین است خود شامل پنج نوع می‌باشد، که دو نوع از آنها عبادت بدنی خالص است که آن دو عبارت‌اند از: نماز و روزه. و یکی مالی خالص است (زکات) و دو نوع دیگر از آنها هم عبادت بدنی و هم عبادت مالی است که عبارت‌اند از: فریضه حج و جهاد. این پنج نوع عبادت در اصطلاح به نام «خمسۀ ضروریۀ دین» مشهورند.



علاوه بر کارهای ذکر شده، نمونه‌های دیگری از اعمال واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح را نام ببرید.

## اصل حلیت

در دین مبین اسلام، اصل و مبنا بر حلال بودن و مباح بودن است و مواردی که حرام‌اند باید دارای دلیلی محکم از قرآن و سنت پیامبر و سایر ادلّه فقهی باشند. علمای اسلام اصل «مباح بودن» را از آیات قرآن کریم استنباط کرده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ

.....

مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

.....

بقره، ۲۹

همچنین می‌فرماید:

وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

.....

وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ...

.....

حرام کردن هر عملی فقط از جانب خداست و اگر خداوند کاری را حرام می‌کند، به خاطر ضرر و زبانی است که آن عمل به انسان‌ها می‌رساند، تا انسان‌ها مرتکب آن نشوند و آسیب و زیان روحی یا جسمی نبینند. ممکن است انسان‌ها علت حرام بودن برخی کارها را ندانند و این به سبب دانش ناقص انسان‌هاست. اما خداوند که عالم بر همه اسرار جهان است، می‌داند که چه کاری به نفع ما و چه کاری به زیان ماست. توجه داشته باشیم که حلال به اندازه کافی وجود دارد که ما را از حرام بی‌نیاز کند. حرام، با حیله و دسیسه حلال نمی‌شود و خود آن دسیسه هم حرام است. حسن نیت در یک کاری هم آن را حلال نمی‌کند؛ یعنی کسی نمی‌تواند بگوید من به خاطر فلان خیر این حرام را مرتکب شدم. بنابراین، در حلال و حرام باید کاملاً تابع خداوند بود. رسول اعظم (ص) می‌فرماید:

خداوند چیزهایی را واجب کرده است	إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ فَرَائِضَ
آنها را ضایع نکنید	فَلَا تُضَيِّعُوهَا
و حد و مرزهایی معین کرده، از آن تجاوز نکنید	وَ حَدِّ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا
و برخی چیزها را حرام کرده	وَ حَرَّمَ أَشْيَاءَ
حرمت آن را از بین نبرید	فَلَا تَنْتَهِكُوهَا
و چیزهایی را مسکوت گذاشته	وَ سَكَتَ عَنِ أَشْيَاءٍ
از جهت رحمت به شما	رَحْمَةً بِكُمْ
نه از جهت فراموشی	غَيْرَ نَسْيَانٍ
پس درباره آنها بحث و جدل نکنید!	فَلَا تَبْحَثُوا عَنْهَا

### تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و پیام‌های آنها را استخراج نمایید.

## برخی از امور حرام

یکی از وظایف ما در زندگی، شناخت کارهای حرام است. ما باید در همان سنینی که به تکلیف می‌رسیم، کارهای حرام را شناسایی کنیم و برای دوری از آنها برنامه‌ریزی نماییم. این امر سبب می‌شود که در بزرگسالی نیز به راحتی مرتکب گناه نشویم، برعکس کسی که نسبت به دستورهای خداوند بی‌تفاوت است و به حلال و حرام توجهی ندارد. چنین فردی، هرچه زمان می‌گذرد در باتلاق حرام بیشتر فرو می‌رود به گونه‌ای که درآمدن از آن مشکل‌تر می‌گردد. برخی از امور گناه و حرام به شرح زیر است:

۱- شرک به خداوند متعال، به هر صورت و شکلی باشد، چه شرک در ذات و چه شرک در افعال و چه شرک در عبادت، حرام است و بزرگ‌ترین گناه محسوب می‌شود.

۲- هرگونه گستاخی و بی‌ادبی نسبت به پدر و مادر، حتی به اندازه گفتن یک «اف» حرام است. خداوند متعال نیکی به والدین را پس از اطاعت و فرمانبرداری از خود واجب کرده و تنها در یک صورت باید از والدین اطاعت نکرد و آن وقتی است که از فرزندان بخواهند مرتکب گناه شوند و به خدا شرک بورزند ولی در هر صورت باید با آنها به نیکی رفتار کرد.

### تفکر در آیات



در آیات ۱۴ و ۱۵ سوره لقمان تفکر کنید و وظایف هر مسلمانی نسبت به پدر و مادر را مشخص نمایید.

۳- خداوند در سوره حجرات به ما دستور می‌دهد که شش عمل را انجام ندهیم:

(الف) مسخره کردن؛

(ب) عیب‌جویی کردن؛

(ج) لقب زشت به دیگران دادن؛

(د) سوءظن و بدگمانی نسبت به دیگران؛

(ه) تجسس در احوال دیگران و غیبت کردن.

این محرّمات شش‌گانه سرمنشأ بسیاری از بدی‌های اخلاقی‌اند و جزء زشت‌ترین رذایل اخلاقی

محسوب می‌شوند.

\* در حالات و رفتارهای خود تأمل کنیم و خود را ارزیابی نماییم تا ببینیم نسبت به این گناهان در چه موقعیتی قرار داریم. اگر به آنها تمایل نداریم، خدا را سپاس گفته و برای تقویت بیشتر خود در مقابل آنها برنامه‌ریزی کنیم و اگر به برخی از آنها تمایل داریم، برای از بین بردن این تمایل، برنامه‌ریزی و تمرین نماییم.

### احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

خداوند بنا بر آیه ۴ سوره مائده، هر چیز پاکیزه‌ای را برای انسان حلال شمرده است و به مردم اجازه داده که از آنها بهره ببرند.

در میان خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، هر چیز زیان‌آوری را حرام کرده است، که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

(الف) شراب و هر ماده مست‌کننده دیگر؛

(ب) گوشت خوک و سگ؛

(ج) گوشت مردار؛

(د) مواد مخدر از قبیل تریاک، هروئین و ...

مصرف شراب و مواد مخدر موجب زایل شدن عقل و تخریب قوای عقلی و فکری انسان شده و تأثیرات جبران‌ناپذیری بر جسم و روان دارند. خداوند عقل و فطرت انسان را پاک و سالم آفریده و بهترین موهبت خود به انسان قرار داده است و اگر عقلانیت از انسان سلب شود، با سایر حیوانات تفاوتی ندارد. مصرف مواد الکلی خشونت و التهاب ایجاد می‌کند و شخص، در حالت مستی، ممکن است به هر نوع عمل خشونت‌آمیز و تأسف بار دست بزند. مصرف تریاک و مواد مشابه فرد را بی‌غیرت، ترسو، بی‌توجه و لاپرواہی می‌کند. بدن او را در مقابل بیماری‌ها چنان تضعیف می‌کند که روزه روز به روز به کام مرگ نزدیک‌تر می‌شود. اعتیاد به سیگار نیز به دلیل هدر دادن امکانات مادی و تأثیر مخرب آن بر بدن و مقدمه شدن آن برای مصرف مواد مخدر، حرام است.

## قمار و شرط بندی

یکی از کارهای حرامی که به صراحت در قرآن نهی شده، قمار و شرط بندی است. این کار حرام و زیان بخش که جز هدر دادن وقت، تخریب اعصاب و وارد کردن زیان مالی و حیثیتی جبران ناپذیر، خاصیتی ندارد، متأسفانه هم در قدیم و هم امروزه رواج دارد. امروزه در بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای غربی، همان طور که شراب خانه های بزرگ وجود دارد، قمارخانه های بزرگی نیز هست. برخی از افراد از این راه ثروت های بادآورده به دست می آورند و برخی نیز همه زندگی خود را می بازند. این گناه به تدریج روحیه تلاش و بروز استعدادها را خاموش می کند، اراده را ضعیف می نماید و کار و سازندگی را از بین می برد. افرادی که به این کار عادت کرده اند، معمولاً در عالم رؤیا برای خود کاخ های زیبا می سازند و وقت و عمر خود را به انتظار برنده شدن از دست می دهند. در اسلام، فقط شرط بندی برای مسابقات تیراندازی و اسب دوانی و شتردوانی جایز است؛ زیرا این ورزش ها، به خصوص در گذشته توان جسمی و روحی افراد را بالا می برد و آماده دفاع از کشور و دفع خطرها می نمود.



\* برخی شکل های قمار و شرط بندی را که در بعضی جاها رواج دارد، معرفی کنید و آثار زیانبار آنها را توضیح دهید.

## عادت های حرام

امروزه برخی از عادت ها در میان برخی از افراد، هرچند اندک، مشاهده می شود که با احکام اسلام مخالف و از نظر حکم الهی حرام می باشد. خوب است در اینجا به ذکر برخی از آنها پردازیم:

۱- استفاده از طلا برای مردان: می دانیم که استفاده از طلا و حریر (لباس ابریشمی) برای مردان حرام، ولی برای زنان حلال می باشد. برخی دلایل علمی هم برای این موضوع ذکر شده است. اگر چنین دلایلی هم نبود، حرام شدن آن از جانب خداوند برای مردان، نشانه زیان چنین کاری است. امروزه مشاهده می کنیم که برخی مردان و جوانان از طلا استفاده می کنند و گاهی همین طلا در نماز نیز همراه آنهاست که در این صورت هم نماز آنها باطل است و هم به خاطر استفاده از طلا مرتکب گناه شده اند. اینان به ویژگی های متفاوت مردان و زنان توجه ندارند و به گونه های مختلف خود را مشابه

زنان می‌سازند؛ درحالی که اولاً استفاده از طلا و حریر و سایر جنبه‌های زینتی و آرایشی برای زنان، به خاطر ویژگی خاص آنهاست. ثانیاً همان زنان نیز باید آرایش و زینت خود را در محدوده خانواده و افراد مَحرم حفظ کنند و از استفاده آن در مقابل افراد نامحرم یا در مَلا عام اجتناب کنند. مردانی که به سوی این قبیل آرایش‌ها و زینت‌ها رو می‌آورند و به شکل‌های نامناسبی در جامعه ظاهر می‌شوند، باید به تحلیل عمل خود بپردازند و شخصیت روحی خود را ارزیابی کنند تا متوجه منشأ اشتباه خود شوند.

روشن است که چنین رفتاری نشانه ترقی و پیشرفت نیست؛ زیرا همان کسانی که عامل پیشرفت در دنیای امروز بوده‌اند، از فضانوردان گرفته تا سازندگان اَبَرایانه‌ها تا مخترعین و کاشفان بزرگی چون نیوتن و انیشتین این راه را برای پیشرفت انتخاب نکرده‌اند. آنان به جای توجه به ظاهر و تلاش برای به شکل‌های گوناگون در آوردن خود، با جدیت و تلاش و تحمل رنج و زحمت و بی‌خوابی و دوری از تن‌پروری راه علم و پیشرفت را طی کردند و نام خود را در تاریخ بزرگان خدمت کننده به بشریت زنده نگاه داشتند.

کسانی از مردان و جوانان که به عادت‌های ناپسندی مانند: استفاده از طلا، آرایش غیرمعمول، پوشیدن لباس‌های نامناسب و تقلید کورکورانه از هرنوع مد می‌پردازند و کار خود را تحت عنوان پیروی از مد توجیه می‌کنند، باید توجه کنند که این قبیل رفتارها به تدریج موجب شکل‌گیری خصلت‌ها و عادت‌های ناپسندی در آنها می‌شود و از طریق آنها به فرزندان نشان انتقال می‌یابد. متأسفانه برخی از جوانان که دست به چنین کاری می‌زنند، وقتی بزرگسال می‌شوند و تشکیل خانواده می‌دهند، انتظار دارند فرزندان‌شان به شیوه‌ای درست زندگی کنند و از این قبیل عادت‌ها دور باشند. اما باید بدانیم که بهترین راه برای هدایت فرزند، الگوی خوب بودن پدر و مادر برای آنهاست.



**\* جامعه پیرامون خود را بررسی کنید. و وجود برخی از عادت‌های ناپسند رایج میان جوانان را مشخص کنید و درباره علت وجود چنین عادت‌هایی گفت‌وگو نمایید.**

**۲- عکس‌ها و تصویرهای مبتذل:** می‌دانیم که نگاه به تصویر اندام فرد نامحرم حرام است، به خصوص که اگر از روی شهوت باشد یا سبب تحریک شهوت شود. باید توجه کنیم که این عمل از نظر روان‌شناسان به تدریج سبب افسردگی روانی شده و شخص را رنجور و حسرت‌زده می‌کند و تمرکز فکر انسان را از بین برده و مانع تفکر سازنده و خلاق او می‌شود.

امروزه ارتباطات امری اجتناب ناپذیر است، به ویژه با پیدایش ابزارهایی مانند ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و... که در ایجاد ارتباطات تسریع کرده اند، این رسانه‌ها می‌توانند زمینه‌ساز گسترش علم و فناوری باشند و در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، ورزشی، شهرنشینی، پزشکی و سلامت به انسان‌ها خدمت کنند. اندکی از مردم در نقاط مختلف دنیا هستند که به جای خدمت به انسان‌ها، این ابزار را وسیله تخریب شخصیت جوانان و سستی و بی‌بندوباری آنها ساخته و از این راه دام‌های فریب خود را پهن کرده و ثروت‌های بی‌پایانی به چنگ می‌آورند که در اینجا فرصت ذکر آنها نیست. گروه‌های بی‌بندوبار در هر جامعه‌ای زمینه نفوذ آنها را فراهم می‌کنند. برای پیدایش چنین گروه‌هایی است که برخی از قدرت‌ها از رسانه‌هایی مانند اینترنت و ماهواره سوءاستفاده کرده و بی‌بندوباری را گسترش می‌دهند. جوانان عاقل و خردمند هرگز وقت و عمر گرانبها و سرشار از انرژی خود را در تماشای چنین صحنه‌هایی به‌هدر نمی‌دهند و از دریافت آن همه اطلاعات با ارزش خود را محروم نمی‌سازند.

توجه کنیم که نگاه به نامحرم، در هر صورت، برای کسب لذت حرام است؛ چرا که شخصیت فرد را متزلزل می‌سازد و غیرت او را زیر سؤال می‌برد. انسان‌های ناموس‌دار و غیرتمند نفس خود را مهار می‌کنند و ناموس دیگران را مورد تعرض قرار نمی‌دهند. ناگفته نماند که خداوند اصل نگاه کردن به نامحرمی که حجاب خود را رعایت کرده، منع نمی‌کند؛ زیرا چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و او هرگز تکلیف مالا بطلاق و غیرقابل اجرا نمی‌کند؛ بلکه نگاه از روی شهوت را منع می‌کند و می‌فرماید:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ

به مردان مؤمن بگو:

يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

دیدگان خود را فرو دارند

وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ

و اندام جنسی‌شان را از زنا حفظ نمایند

ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ

این برای آنان پاکیزه‌تر است

إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

و خداوند به کارهایی که می‌کنند آگاه است

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ

و به زنان مؤمن بگو:

يَغُضُّنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

دیدگان خود را فرو دارند

وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ ...

اندام جنسی‌شان را از زنا حفظ نمایند

توجه داشته باشیم که نگاه‌های آلوده اولین قدم برای ورود به مراحل دیگر زشتی‌ها و پلیدی‌هاست. بنابراین، باید خود را از نگاه‌های آلوده حفظ کنیم و خود را در مسیری که دین تعیین کرده قرار دهیم. البته نگاه کردن زن و مرد برای ازدواج و انتخاب یکدیگر ابتدایی‌ترین مرحله است که باید انجام شود و از آن پس سایر مراحل، آن‌گونه که دین فرمان داده، طی می‌شود تا این که زن و مرد ازدواج می‌کنند و زندگی مشترک را آغاز می‌نمایند.

## فعالیت‌های اقتصادی

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی، خرید و فروش است که خداوند آن را حلال کرده و بدان تشویق کرده است. اما ربا را حرام کرده و فرموده:

أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ

وَ حَرَّمَ الرِّبَا.

بقره، ۲۷۵

ربا فعالیت‌های اقتصادی سازنده را از بین می‌برد و افراد فقیر را فقیرتر و گرفتارتر می‌کند. با این که خرید و فروش حلال است، اما هر چیزی را نمی‌توان معامله کرد. خداوند متعال خرید و فروش چیزهایی را که زیان دارند حرام کرده است. به همین جهت خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی، گوشت خوک و مانند آنها، حتی با غیرمسلمان هم حرام است؛ زیرا دین مبین اسلام به کرامت انسان‌ها احترام می‌گذارد و از هر وسیله‌ای برای حفظ کرامت آنها استفاده می‌کند.

خداوند متعال روزی‌های حلال موردنیاز ما را آفریده و در طبیعت قرار داده است. لازم است که هرکس با فعالیت و تلاش مثبت و سازنده برای رفع نیاز خود بکوشد و از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های طبیعت بهره‌مند شود، به ورزش و تفریح سالم بپردازد، به شهرها و سرزمین‌های دیگر مسافرت کند و از آن درس زندگی بگیرد و تجربه کسب کند. اما هیچ انسانی حق ندارد به حق دیگران تجاوز کند و مانع رشد و شکوفایی مادی و معنوی آن شود و انسان‌های دیگر را استثمار نماید.





در روابط اقتصادی مردم پیرامون خود تحقیق و تفکر کنید و روابط سالم اقتصادی و روابط ناسالم را مشخص نمایید.

تنبلی، سستی و نداشتن فعالیت اقتصادی مفید از خصایص افراد تن‌پرور و بی‌خاصیت است که به چیزی جز بهره‌کشی از دیگران فکر نمی‌کنند. اصولاً اراده‌قوی همیشه متعلق به کسانی است که زحمت می‌کشند و تلاش می‌کنند و از دسترنج خود بهره‌مند می‌شوند. البته در همین راه باید راه اعتدال و میانه را طی کرد و از توجه بیش از حد و افراط در کسب درآمد که فرد را به حرص و آز می‌کشاند، دوری کرد؛ زیرا چنین افراطی موجب متزلزل شدن روابط سالم، حتی در کانون گرم خانواده می‌شود.



- ۱- با بررسی درس اول کتاب بنویسید که با احکام اسلامی کدام یک از نیازهای ضروری انسان تأمین می‌گردد؟
- ۲- منابع اصیل احکام اسلام کدام‌اند؟ چرا باید احکام را از این منابع دریافت نمود؟
- ۳- مجتهد در فهم احکام اسلام باید به چه موضوعاتی آگاهی داشته باشد؟ ارتباط هر یک از این موضوعات با فهم دقیق احکام را بنویسید.

## آینده تاریخ

اعتقاد به «موعود» و «منجی» در ادیان الهی و به خصوص در اسلام یک اعتقاد عمیق و استوار است. این اعتقاد نشانه بینش درست ادیان الهی به تاریخ و سرنوشت انسان است و به همین جهت نیازمند بررسی و دقت نظر جدی است. در این درس می خواهیم بدانیم: این اعتقاد چه جایگاهی در اندیشه اسلامی دارد و چگونه زندگی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می دهد؟

### قرائت و ترجمه

..... وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ

..... وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

..... لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ

..... كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ

قرار داد.

وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ

الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

..... يَعْبُدُونَنِي

لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا

نور، ۵۵

و می خواهیم منت نهم  
بر کسانی که ناتوان شمرده شده اند در زمین

و نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ  
عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ

و نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً  
و نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

قصص، ۵

پس از ذکر (تورات)

و لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ  
مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا

عِبَادِي الصَّالِحِينَ

انبیاء، ۱۰۵

که بر همه دین ها چیره گرداند

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ

و لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

توبه، ۳۳

كَرِهَ : نخواهد، اکراه داشته باشد

يَرِثُهَا : آن را به ارث می برد

## آینده تاریخ

تاریخ زندگی انسان‌ها صحنه مبارزه دائمی حق و باطل بوده است. در جبهه حق، انسان‌هایی حضور دارند که در راه خداپرستی، عدالت، انسان‌دوستی، آزادگی، فضایل اخلاقی و دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان تلاش کرده‌اند و صفحات تاریخ را با جهاد و ایثار خود زیبایی و شکوه بخشیده‌اند. در جبهه باطل، خودخواهان و خودپرستانی حضور دارند که شرک و کفر و ستمگری پیشه ساخته و برای رسیدن به خواسته‌های خود، به بهره‌کشی از انسان‌ها و دامن زدن به فساد و بی‌بند و باری پرداخته‌اند. نتیجه نهایی این مبارزه چیست و پیروزی از آن کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه حق یا جبهه باطل؟ پاسخ به این سؤال با بینش انسان درباره جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده جهان درمانده‌اند و اداره کننده‌ای مدبر و حکیم برای آن نمی‌شناسند، نمی‌توانند آینده‌ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

اما خداپرستان که معتقدند یکی از نام‌های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می‌کند، بر اساس وعده الهی، باور دارند که آینده نهایی جهان از آن حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد.

### تفکر در آیات

در آیات ابتدای درس بیندیشید و ببینید که چه آینده‌ای برای تاریخ انسان پیش بینی شده است؟

### موعود و منجی در ادیان

پیامبران الهی، برای تحقق وعده‌های الهی، از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته‌اند. آنان می‌گویند که در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده شده است، یک ولی الهی ظهور می‌کند و حکومت جهانی و عادلانه‌ای تشکیل می‌دهد که فقط بر اساس دین خدا اداره می‌شود. این عقیده اصلی پیامبران الهی است اما همان‌طور که قبلاً دیدیم، تعلیمات هر پیامبری پس از وی دستخوش دگرگونی شد. از جمله این دگرگونی‌ها، اعتقاد خاصی بود که پیروان هر پیامبری درباره ظهور موعود پیدا کردند. با وجود این اعتقادات مختلف، همه در اصل الهی بودن پایان تاریخ و ظهور

ولی خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند.

— یهودیان معتقدند که هنوز «مسیح» و منجی نیامده است، روزی مسیح خواهد آمد و دین حضرت موسی علیه السلام را در جهان گسترش خواهد داد و عدالت را برقرار خواهد کرد.

مسیحیان بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام همان منجی و موعود آخرالزمان است. آنان در این باره عقیده یکی از یاران حضرت عیسی علیه السلام به نام پولس را پذیرفته‌اند که می‌گوید: منجی نهایی جهان حضرت عیسی است. او معتقد بود که حضرت عیسی علیه السلام در شبی که مأموران حاکم به مخفیگاهش حمله کردند، دستگیر شد؛ روز بعد او را به صلیب کشیدند و کشتند اما سه روز پس از مرگ، بر صلیب زنده شد و به آسمان رفت. او دوباره ظهور می‌کند و انسان‌ها را نجات می‌دهد.<sup>۱</sup>

در آیین زرتشتی، اعتقاد به سُوشیانت که به معنای منجی و رهاننده است، اعتقاد رایجی است و در تمام متون زرتشتی به ظهور این موعود بشارت داده شده است.

اعتقاد به منجی در بین پیروان پیامبران، فرصت ارزشمندی برای همکاری میان آنها و تلاش برای تحقق آرمان‌های بزرگ همه پیامبران الهی، مانند معنویت، خداپرستی، عدالت، اخلاق و نفی حاکمیت کفر و ستم بر جهان است. این همکاری سبب نزدیکی و همدلی حق‌طلبان و مانع توطئه‌های ستمگران می‌شود.

## موعود در اسلام

در روایات ما آمده است که در آخرالزمان منجی بزرگ انسان‌ها از نسل پیامبر اکرم (ص) ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل خواهد داد. یکی از لقب‌های این موعود «مهدی» است. بسیاری از علما و محدثین ما در کتاب‌های حدیثی خود بابتی را به این موضوع اختصاص داده و بعضی نیز کتاب‌های مستقلی در این باب نوشته‌اند. آنان ذکر کرده‌اند که در آینده از خاندان پیامبر فردی متولد خواهد شد که هم‌نام ایشان است.<sup>۲</sup> او به امر خدا قیام خواهد کرد و زمین را پس از آنکه از ظلم و ستم

---

۱- این درحالی است که در انجیل برنابا و انجیل یوحنا ذکر شده که حضرت عیسی علیه السلام از آمدن پیامبری بعد از خود خبر می‌دهد و او را نجات بخش می‌خواند. قرآن کریم نیز کشتن و به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی علیه السلام را به صراحت رد می‌کند و می‌فرماید که آنان در این مسئله دچار اشتباه شدند (سوره نساء، آیه ۱۵۷).

۲- برخی از علما و دانشمندان که به این موضوع پرداخته‌اند و می‌توان به آثارشان مراجعه کرد، عبارت‌اند از: سعدالدین تفتازانی در کتاب شرح المقاصد، ابن حجر هیثمی در کتاب صواعق المحرقة، جلال‌الدین سیوطی در کتاب الحاوی للثاوی، علامه منادی صاحب فیض‌القدیر، علامه خیرالدین آلوسی در غالب‌المواعظ، شیخ محمد خضر حسین استاد دانشگاه الازهر در مجله تمدن اسلامی تحت‌عنوان نگرش بر روایات مربوط به مهدی، کتانی مالکی در کتاب نظم‌المتناثر من‌الحديث المتواتر، عدوی مصری در کتاب مشارق الانوار، احمد قرمانی دمشقی در کتاب اخبارالدول و آثارالاول و محی‌الدین عربی در الفتوحات‌المکیة.

پرسیده باشد، از عدل و داد پر خواهد کرد<sup>۱</sup>.



پیروان پیامبران الهی چگونه می‌توانند برای فراهم کردن زمینه ظهور منجی جهانی با یکدیگر همکاری کنند؟ پیشنهادهای خود را عرضه کنید.

### جهانی شدن، جهانی سازی و مهدویت

امروزه، با واقعیتی به نام جهانی شدن (Globality) مواجهیم و لازم است رابطه آن را با موضوع مهدویت بررسی کنیم. جهانی شدن به معنای گسترش ارتباطات میان انسان‌ها و افزایش تأثیر متقابل اقوام، ملت‌ها و کشورها بر یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کمتر اتفاقی در گوشه‌ای از عالم رخ می‌دهد که مردم دیگر سرزمین‌ها از آن بی‌خبر بمانند و حیات اجتماعی آنان از این اتفاق تأثیر نپذیرد. پیدایش ابزارهای ارتباطی صوتی و تصویری و متنی مانند تلفن ثابت و سیار، رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت از یک طرف و وسایل نقلیه جدید مانند اتومبیل، قطار و هواپیما از طرف دیگر، ارتباط میان انسان‌ها را در نقاط مختلف کره زمین چنان توسعه داده است که گویی مانند مردم یک دهکده با هم آشنایند. از همین جاست که مفهوم «دهکده جهانی» (Global village) شکل گرفته است.

این یک واقعیت اجتماعی است که رخ داده است و اکنون ما در چنین جهانی زندگی می‌کنیم. با پدیدار شدن این واقعیت، قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر برنامه‌ریزی کرده‌اند که فرهنگ، اندیشه و آن شیوه زندگی را که خود می‌پسندند، جهانی کرده و بر سایر مردم تحمیل کنند. این طرح و برنامه را جهانی‌سازی (Globalisation) می‌نامند.

برای رسیدن به این منظور، از امکانات بسیار پیچیده آشکار و پنهان کمک می‌گیرند. شبکه‌های بزرگ تلویزیونی و رادیویی، ماهواره‌ها، شبکه‌های بسیار زیاد اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، کتاب‌ها و نشریات، سازمان‌های گسترده اطلاعاتی و جاسوسی ابزار گسترش فرهنگ قدرت‌های بزرگ و به‌خصوص آمریکا هستند. پشتوانه این ابزار، قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی آمریکاست که با ایجاد رعب و ترس یا وابستگی و تسلیم‌طلبی یا طمع، زمینه را برای توسعه فرهنگ، اخلاق و آداب و رسوم آمریکایی آماده می‌کنند؛ برای مثال، آمریکا پس از این که افغانستان و عراق را تصرف کرد، ده‌ها شبکه تلویزیونی به راه

۱- شیعیان عقیده دارند که حضرت مهدی فرزند امام حسن عسکری است و هم‌اکنون به اذن و قدرت الهی در غیبت بسر می‌برد.

انداخت تا فرهنگ و اخلاق خود را بر مردم مسلمان این دو کشور تحمیل کند. آنچه در اینجا حائز اهمیت و نیازمند روشن بینی است، این است که بدانیم با توجه به قدرت گسترده و پیچیده ارتباطات، شیوه‌های مدرن تبلیغ، مهم‌ترین ابزار یکسان‌سازی فرهنگی است. آنها از یک طرف به شکلی بسیار غیرمستقیم و از زبان ملت‌ها شکاف میان نسل‌ها را چنان بزرگ می‌کنند که نسل جدید احساس کند دیگر نمی‌تواند با فرهنگ خود ارتباط برقرار سازد و از طرف دیگر، عناصر فرهنگ خودی مانند نوع پوشش، سبک معماری، نوع غذا، شیوه‌های معاشرت و حتی ایده‌آل‌ها و آرمان‌های زندگی به‌طور کلی شیوه زندگی خود را در زیباترین قالب‌های ممکن تبلیغی عرضه می‌کنند تا علاوه بر جلب نظر ملت‌ها، اندیشه آنها را دنباله‌رو خود سازند. در اینجا است که ذکاوت و زیرکی ملت ما، به خصوص نسل جوان، باید به کمک ما بیاید تا به جای پیوستن به جهانی‌سازی تحمیلی، با تکیه بر کرامت و عزت خود و با اعتماد به قدرت ابتکار و خلاقیت و پیشه کردن بردباری و صبر، فرهنگ خود را تعالی بخشیم و در این رقابت جدی و سخت، موفق باشیم.

حال که جهانی شدن ارتباطات و تبدیل جهان به یک دهکده، این فرصت را ایجاد کرده است که افکار و عقاید در میدان جهانی به رقابت برخیزند، کدام عقیده و کدام روش زندگی لیاقت دارد به‌طور طبیعی مورد پذیرش ملت‌های مختلف قرار گیرد؟ چنین به نظر می‌رسد که عقیده‌ای با شاخصه‌های زیر می‌تواند جهانی شود:

- ۱- با فطرت انسان و ویژگی‌های فطری او سازگار باشد.
- ۲- مبتنی بر عقلانیت و قابل دفاع عقلی باشد.
- ۳- توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای اصلی دنیای امروز، مانند عدالت اجتماعی، را دارا باشد.
- ۴- از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار باشد.

با تأملی در عقاید اسلام این ویژگی‌ها را در دین اسلام می‌بینیم. با تشکیل حکومت جهانی اسلامی، آرمان والای جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی تحقق می‌پذیرد و آرزوی دیرینه همه پیامبران و مصلحان و انسان‌دوستان برآورده می‌گردد.

بخش بزرگی از تضادها، ستیزها، استکبارها و استضعاف‌ها، در کل جامعه بشری از حکومت‌های طاغوتی و از درون کاخ‌ها سرچشمه می‌گیرد و به‌دست این‌گونه دولت‌ها و حکومت‌ها گسترش می‌یابد. اغلب مردم در همه جوامع به خیر و نیکی گرایش دارند و نوع دوست و مهربان‌اند و این حکومت‌ها و قدرت‌های فاسد هستند که به کژی‌ها و بدی‌ها دامن می‌زنند و جوامع را به فساد می‌کشانند. آنان برای

جذب و جلب منافع بیشتر تضاد و درگیری پدید می‌آورند و با تبلیغ، تلقین و اجبار توده‌های نجیب انسانی را به ناسازگاری و تخاصم وامی‌دارند و رویاروی هم قرار می‌دهند.

در دوران رهبری حضرت مهدی (ع) با ایجاد مدیریت واحد الهی و حاکمیت یگانه قانون اسلامی، عامل اصلی فساد و تباهی و ظلم نابود می‌شود و انسان‌ها بدون ترس از فشارها برادر و مهربان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، کمبودها و عقب‌ماندگی‌ها جبران می‌گردد و امت واحد انسانی شکل می‌گیرد.

